کارگران همه کشورها
متحد شوید!

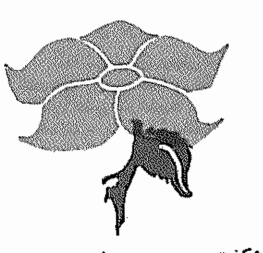
کار

ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت)

مرگ بر امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

دوره دوم ـ سال دوم ـ شماره ۱۴

اول فروردین ماه ۱۳۶۴ ـ ۱۲ صفحه ـ ۴۰ ریال



نوروز خجسته باد

نوروز، هنگام خرمی و شکفتن، زدودن زشتی و پلیدی و عزم و امید و کار و پیکار، نویدبخش سال نو فرا رسیده است. این روز شادی و خرمی بر مردم میهنمان مبارک باد.

نوروز جشن زندگی است و هم از این روست که ریشه‌ای عمیق در زندگی و آرزوهای مردم داشته و از دیرباز، از ورای سالهای شادمانی و پیروزی و دوره‌های دشواری و تیرگی همچنان زنده و استوار بر جای مانده است. نوروز از میان سالهای چیرگی نامردمی و جنگ، سالهای درد و رنج و سوگ عزیزان و سالهایی که یارای پوشاندن لباس نو بر کودکان نیست، با ارمغانی از خرمی و امید گذشته و می‌گذرد و مردم ما نیز با آرزوی سالهای بهتر فردا این جشن و آیین را پاس داشته‌اند.

اکنون نیز روزگار دشواری بر مردم میهن ما می‌گذرد. رژیم خائن به انقلاب با ادامه جنگ خانمانسوز چند صد هزار خانواده زحمتکشان را در سوگ عزیزانشان سیاه‌پوش کرده است. بسیاری دیگر در غم عزیزان اعدامی و زندانی خود به سر می‌برند. رهبران جمهوری اسلامی جنایتکارانه و جنون‌آمیز روزهای آخر سال را ـ چون سال پیش ـ به جنگ‌افروزی و راندن هزاران جوان به کام مرگ بدل ساخته‌اند. مردم با خشم و اندوهی عظیم هر لحظه را با نگرانی جنایات فرماندهان خمینی و با دلواپس خون و آوار بمبارانهای صدام جنایتکار می‌گذرانند. آنان به جای پیام حلول سال نو، با نفرت بی‌پایان پیامهایی را می‌شنوند که تنها بوی خون و مرگ و ویرانی می‌دهد و با کوردلی جنایت‌آمیز عید را شادی "شهادت" عزیزانشان می‌نامد.

با این حال امسال هم مردم با همه غم و درد خود به استقبال نوروز می‌روند. برگزاری مراسم نوروز چون سالهای پیش عرصه‌ای از مخالفت و رویارویی با ارتجاع حاکم است. چهارشنبه سوری، مراسم عید و سیزده بدر سال گذشته صحنه‌ای چشمگیر از تقابل توده‌ای مردم با تحمیلات ارتجاعی رژیم برای نابودی جشن نوروز و مراسم قبل و بعد از آن بوده است، تا جایی که ارتجاع ـ برآشفته از عدم استقبال جشن سالگرد جمهوری اسلامی ـ مجبور شد با تلخی بسیار برگزاری وسیع سیزده بدر را که عملاً به حرکت و نمایشی عمومی در اعتراض به رژیم بدل گردیده بود شاهد باشد. امسال نیز جشنهای نوروزی عرصه‌ای از اعتراض مردم به رژیم است. فداییان خلق که همواره با دردها و شادیهای مردم شریک‌اند، همراه مردم در جشن و شادی و مبارزه‌شان به پیش می‌روند. مراسم نوروز به کوری چشم ارتجاع برگزار می‌شود. دیدوبازدیدها به مجالس افشاگری و یادبود خاطره عزیزان بدل خواهد شد. بگذار ارتجاع آوای نیستی و بدبختی سر دهد و شادی مردم را بر عزای خود ببیند. ارتجاع می‌میرد و مردم می‌مانند.

سنتهای مردمی شکوفا می‌شوند و آرمانهای مردم سرانجام پیروز می‌شود. غم و اندوهی که امروز بر قلب میلیونها هم‌میهن ما فشار می‌آورد، سرانجام در پرتو عزم و رزم آنان جای خود را به شادی و بهروزی خواهد داد. آری! ما نوروز را به نشانه پیروزیهای حتمی آینده پاس می‌داریم و جشن می‌گیریم ●

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزیم

هم‌میهنان مبارز!

بار دیگر رژیم خمینی خون بپا کرده است. بار دیگر در آستانه نوروز جنون جنگ‌طلبی سران رژیم میهن ما را غرق در مرگ و ماتم، غرق در آتش و خون، غرق در دلهره و اضطراب کرده است. این جنگ اهریمنی، بار دیگر دهها هزار قربانی گرفته و عید مردم ما را سیاه و زندگی آنها را تباه کرده است.

شروع مجدد حملات جنایتکارانه رژیم صدام علیه مناطق مسکونی و هدفهای غیرنظامی و روش مقابله به مثل امروز جمهوری اسلامی به جنایات هر دو طرف علیه مردم مظلوم ایران و عراق ابعاد هولناکی بخشیده است. آتش جنگ به تمامی شهرهای دو کشور کشیده شده، غم و ماتم و دلهره مرگ، ترس از بمب و موشک و گلوله‌های توپ لحظه‌ای هم مردم خوزستان، لرستان، باختران، کردستان، آذربایجان، تهران، همدان، اصفهان، اراک و دیگر شهرها و مناطق ایران و نیز ساکنان بسیاری از شهرهای عراق را رها نمی‌سازد. رژیم جمهوری اسلامی با دست زدن به یک حمله وسیع علیه مواضع رژیم عراق جان دهها هزار از مردم دو کشور را بر باد داده و آتش جنگ را باز هم شعله‌ورتر کرده است.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با خشم و انزجار بمباران مناطق مسکونی و کشتار مردم بی‌دفاع را محکوم می‌کند و به همه خانواده‌هایی که در جریان حملات اخیر عزیزان خود را از دست داده‌اند تسلیت می‌گوید و همدردی همه فداییان خلق را با مردم شرافتمندی که در ایران و عراق خانه و کاشانه‌شان را ویران کرده‌اند، ابراز می‌دارد.

هم‌میهنان عزیز!

جنگی که ۵ سال پیش توسط رژیم صدام و با حمایت امپریالیستها اساساً علیه انقلاب و کشور ما آغاز شده بود، سه سال پیش با مقاومت قهرمانانه شما به شکست متجاوزان و اخراج آنان از میهن ما منجر شد. اما حکام جمهوری اسلامی علیرغم خواست شما جنگ را برای سرپوش گذاشتن خیانت خود به انقلاب خودسرانه و ابلهانه ادامه دادند و با هر روز ادامه آن خیانت و جنایت تازه‌تری علیه منافع ملی ایران و مصالح مردم زحمتکش ایران مرتکب شدند. در این سه سال مرگ و دلهره و غم و گرسنگی و بیکاری یگانه حاصل ادامه این جنگ برای شما بوده است. سود ادامه این جنگ فقط به جیب امپریالیسم آمریکا، به جیب ارتجاع ترکیه و دیگر مرتجعین منطقه و به جیب کلان سرمایه‌داران و تجار بزرگ بازار رفته است. در این میان رهبران جمهوری اسلامی به تنها چیزی که نمی‌اندیشند سرنوشت مردم است. آنها به قیمت خون صدها هزار جوان و به قیمت نابودی همه کشور ما همچنان بر طبل جنگ می‌کوبند و حاضر نیستند به صلح تن دهند. مصیبتی که اکنون میهن ما دچار آن است، مشخصاً ناشی از جنون جنگ‌طلبی رهبران جمهوری اسلامی است. این رژیم جنایتکار دشمن صلح و دشمن مردم است.

هم‌میهنان مبارز!

برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز و نکبت‌بار و بی‌سرانجام بپاخیزید! با تشدید اعتراض و مقاومت خودسران مرتجع جمهوری اسلامی را مجبور کنید جنگ را قطع کنند. هر تجمع خود را به صحنه اعتراض علیه جنگ مبدل سازید. نمایشات جنگ‌طلبانه رژیم را به تظاهرات صلح‌خواهانه بدل سازید. در تشییع جنازه شهدا با فریادهای ضدجنگ شرکت کنید. اجازه ندهید رژیم عزیزان شما را به جبهه‌های بی‌بازگشت این جنگ خانمانسوز بفرستند. نگذارید عمال رژیم از شما برای جبهه‌ها پول و جنس بگیرند. در جبهه علیه جنگ تبلیغ کنید. نظامیان و سپاهیان هر طور که می‌توانند از شرکت در این حملات جنون‌آمیز سر باز زنند. اعتراض و مبارزه و مقاومت همگانی ما یقیناً قادر است ارتجاع حاکم را به زانو درآورد و صلح را به میهن بلاکشیده ما بازگرداند.

بقیه در صفحه ۳

شهادت رفیق تقی قانع خشکبیجاری بدست دژخیمان اوین

رفیق تقی قانع خشکبیجاری عضو هیأت اجراییه کمیته ایالتی تهران و از کادرهای برجسته سازمان ما به دست دژخیمان بی‌شرم خمینی به شهادت رسید.

رفیق تقی یکی از فرزندان صدیق و ایثارگر خلق بود که در شرایط فاشیستی حاکم بر میهنمان وظایف انقلابی خود را مسئولانه و پیگیرانه پیش می‌برد و یک لحظه از پیکار در راه آرمانهای والای سازمان خود برای رهایی کارگران و زحمتکشان باز نایستاد. رفیق تقی در تیرماه ۶۲ توسط ماموران رژیم اسیر شد.

ماموران که او را می‌شناختند با توسل به وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی سعی کردند وی را بشکنند. اما رفیق تقی با مقاومتی قهرمانانه تلاش جلادان را با شکست مواجه ساخت و با پایمردی از میثاق خود با مردم دفاع کرد. دژخیمان اوین در اواخر تابستان ۶۳ پس از یک سال شکنجه جسمی و روانی خشکبیجاری را مخفیانه اعدام کردند.

رژیم جنایت‌پیشه با این ددمنشی‌ها قادر نیست فریاد رسای زحمتکشان میهن ما را خاموش سازد، رژیم با این وحشیگریها و سیاهکاریها بیش از پیش چهره پلید خود را افشا و رسوا می‌سازد و خشم و انزجار توده‌های مردم را برمی‌انگیزد. این جنایتها بی‌مجازات نخواهند ماند و هستی این رژیم خودکامه و ارتجاعی را آماج شراره‌های خشم مردم می‌سازد.

رفیق تقی همچون همه رفقای ما با شهادت قهرمانانه خود اثبات کرد که پیمان فداییان با مردم ناگسستنی است. مردم انتقام فرزندان مبارز خود را از سران رژیم خواهند ستاند و هزاران فرزند دلاور و قهرمان دیگر را به میدانهای مبارزه خواهند فرستاد.

خاطره گرامی فدایی شهید رفیق تقی خشکبیجاری همواره باقی خواهد بود و مردم در اعماق قلب خود و در رزم هر روزه خود علیه امپریالیسم و ارتجاع رزمندگی و ایثار و صداقت این فرزندانش را پاس می‌دارد ●

پیام رفیق فرخ نگهدار به مردم ایران به مناسبت نوروز

در صفحه ۲

بحران رژیم و چشم‌انداز آینده

در صفحه ۶

پیام کمیته مرکزی سازمان به مناسبت درگذشت رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرننکو

در صفحه ۴

پیام شادباش کمیته مرکزی سازمان به رفیق میخائیل سرگئی ویچ گارباچف

در صفحه ۳

در این شماره:

پیام رفیق فرخ نگهدار به مردم ایران به مناسبت نوروز

هم‌میهنان عزیز!

فرارسیدن سال نو، و عید سعید نوروز را به شما مادران، پدران، خواهران و برادران عزیز صمیمانه تبریک می‌گویم و سالهای پیروزی و شادکامی، سالهایی بهتر از این سالها، سالهایی بدون جنگ و خونریزی، سالهایی بدون ترس از بیکاری، خانه‌بدوشی و فقر و گرسنگی، سالهایی سرشار از آزادی و برابری، برای شما هم‌میهنان آذربایجانی، کرد، فارس، بلوچ و ترکمن، برای همه خلقهای ایران آرزو می‌کنم. آرزو می‌کنم سالی که در آستانه آن قرار داریم سال صلح و پایان این جنگ خانمانسوز باشد.

عید امسال در حالی فرا می‌رسد که آتش این جنگ را به دهها شهر ایران و عراق کشیده‌اند و هزاران خانواده شریف و بی‌گناه و بی‌دفاع را داغدار و قربانی جنون جنگ طلبی خمینی و دیگر سران خائن جمهوری اسلامی کرده‌اند. به خانواده‌هایی که در اثر حملات هوایی و موشکی عزیزان خود را از دست داده‌اند تسلیت می‌گویم و همدردی همه فداییان خلق را با آنان و دیگر هم‌میهنانی که جنون جنگ طلبی خمینی و بمب و موشک رژیم عراق کاشانه‌شان را ویران و یا از شهر آواره‌شان کرده است ابراز می‌دارم.

هم‌میهنان عزیز!

هر روز که می‌گذرد ابعاد فاجعه عظیم و دردناکی که مستقیماً از جنون جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی ناشی می‌شود آشکارتر می‌گردد. خمینی با ادامه بی‌ثمر و پرضرر این جنگ بر میهن ما گرد مرگ می‌پاشد. او می‌گوید نخواهد گذاشت حتی یک روز هم آب خوش از گلوی شما پایین رود. سران رژیم بی‌شرمانه می‌گویند تا تمام شهرهای ما را ویران و تمام کودکان و نوجوانان و جوانان ما را در تنور جنگ نسوزانند، تا تمام ثروت ملی ما را بر باد ندهند، تا امنیت و استقلال و تمامیت کشور را بر باد ندهند دست از این جنگ نخواهند شست. اینها می‌خواهند تا آنجا که می‌توانند به جنگ ادامه دهند، بدون اینکه این جنگ بجز ضررهای بکلی جبران‌ناپذیر یک سرسوزن هم برای ما فایده داشته باشد.

راه پایان دادن به این جنگ ایران برباده آن است که همه دست به دست هم بدهیم و متحداً علیه جنگ و برای صلح، علیه رژیم بپاخیزیم.

کلید صلح نزد ما، نزد شما، نزد مردم است. ما باید با مبارزه بی‌امان خود علیه رژیم، آن را به تسلیم در برابر خواست خود وادار سازیم. فشار و مبارزه ما می‌تواند و باید به این جنگ نفرت‌بار پایان دهد. عمال رژیم می‌خواهند جوانان ما را به زور به جبهه‌های بی‌بازگشت بفرستند و سر به نیست کنند. بکوشیم تا رژیم نتواند هیچ کس را به جبهه‌ها بفرستد، نتواند هیچ نوع کمک جنسی و پولی را برای ادامه جنگ جمع‌آوری کند. ما باید در مقابل این رژیم بایستیم نگذاریم خون در کاسه ما کند و کشور ما را به خاک سیاه بنشاند. در این روز نو، در این نوروز با یکدیگر عهد ببندیم که با مبارزه یکپارچه خود علیه رژیم به این جنگ خانمانسوز پایان دهیم و میهن خویش را از چنگ این مصیبت بزرگ رها سازیم.

هم‌میهنان داغدیده!

امسال نوروز ما در حالی فرا می‌رسد که خمینی دهها هزار خانواده را داغدار کرده و جگرگوشه دهها هزار دیگر را به زندان کشیده است. از طرف کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به این خانواده‌های دلیر و شرافتمند و به پایداری و استقامت این فرزندان قهرمان که بیگمان راهگشای آزادی و بهروزی همه خلقهای ایرانند صمیمانه درود می‌فرستم و یادآور می‌شوم وقت آن است که همه دست در دست هم راه این عزیزان را سرمشق خود سازیم و با اتحاد و مبارزه خود ارتجاع حاکم را که این استبداد سیاه و خونین را بر میهن ما تحمیل کرده است در برابر عزم و اراده خود به زانو اندازیم. در راه آزادی زندانیان سیاسی، در راه آزادی همه خلق از چنگ این استبداد قرون وسطایی بپاخیزیم.

کارگران عزیز!

امسال نوروز ما در حالی فرا می‌رسد که فشار زندگی بر دوش زحمتکشان میهن ما سنگین‌تر و بار رنج و محرومیت کارگر و دهقان و زحمتکش ایرانی از هر زمان جانکاه‌تر است. رژیم خمینی از یک‌طرف هر ساله نصف ثروت کشور را در تنور جنگ می‌سوزاند و بقیه را هم تا می‌تواند به کیسه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان می‌ریزد. کارگران ایران به مثابه بیدارترین و قدرتمندترین بخش مردم امروز در صف مقدم مبارزه علیه مرتجعین حاکم قرار دارند. اعتصابات دخانیات، ساسان و ذوب آهن سیلی‌های محکم طبقه کارگر بر صورت خائنین بود.

رزم و مبارزه شما می‌تواند این رژیم را هم مثل رژیم منفور شاه از پای درآورد. رژیم در برابر اتحاد شما زبون است. اعتصاب شما می‌تواند کمر دشمن را خم کند. سالی که گذشت دهها هزار کارگر در دهها واحد تولیدی بزرگ دست به اعتصاب زدند. کم‌کاری و مقاومت در برابر دولت و سرمایه‌داران به اشکال مختلف گسترش یافت. امسال نیز قطعاً امکانات برای تشدید مبارزه شما علیه رژیم بهتر می‌شود. شما امسال قوی‌تر خواهید بود، هرگاه متشکل شوید، متحد شوید.

دهقانان عزیز!

رژیم جمهوری اسلامی دشمن شماست. این رژیم هم طرفدار فئودال و هم طرفدار سرمایه‌دار است و می‌خواهد بقیه زمینها را هم از شما بگیرد و به اربابان سابق بدهد. این رژیم طرفدار همان کسانی است که شما را می‌چاپند و آواره شهرها می‌کنند. رژیم کاری کرده که شما در روستاها خانه‌خراب شوید و راهی شهرها گردید. اربابها را به ده راه ندهید. نگذارید زمین را از شما بگیرند. علیه جنگ بایستید، نگذارید فرزندانتان را به زور به جبهه‌ها ببرند. متشکل شوید و علیه سیاستهای ضددهقانی رژیم هرطور که می‌توانید اعتراض کنید، مقاومت کنید!

جوانان عزیز!
دانشجویان و دانش‌آموزان ایران!

سران خائن و جنگ‌طلب جمهوری اسلامی دشمن علم و آموزشند. آنها تلاش می‌کنند تمام نسل جوان ایران را در تنور این جنگ بی‌فرجام بسوزانند. آنها می‌خواهند شما درس نخوانید که به ماهیت پلیدشان پی نبرید. آنها می‌خواهند دانشگاهها را منحل و دانش‌آموزان را در جبهه‌ها به کشتن دهند. به سربازی نروید. اقدام دسته‌جمعی میلیونها جوان رژیم را عاجز می‌کند، مجبورش می‌کند به خواست شما تسلیم شود. رژیم با ورزش هم مخالف است. این رژیم اصلاً با زندگی و جوانی و با شادی شما مخالف است. وظیفه شماست که دور هم جمع شوید و نگذارید اینها بر زندگی، گرد مرگ بپاشند. شما نسل انقلابید. شما تکیه‌گاه پرشور و پرتوان مبارزه علیه این رژیم فاسد هستید. علیه رژیم بپاخیزید و نگذارید اینها میهن را ویران و سیاهی را بر کشور سایه‌افکن کنند.

مادران و خواهران عزیز!

رژیم جمهوری اسلامی آنقدر گستاخ است که رسماً می‌گوید ارزش و مقام شما برابر نصف انسان است. این رژیم جز تحقیر و توهین شما، جز تشدید نابسامانیهای زندگی خانوادگی و اجتماعی شما هیچ کاری برای شما نکرده و نخواهد کرد. این رژیم می‌خواهد زن اصلاً هیچ حقی نداشته باشد. یک برده زرخرید باشد. تحصیل نکند، کار نکند، هیچ چیز نداند، چشم بسته و زبان بریده خود را در چادر بپیچد و در کنج خانه و آشپزخانه بماند. از دنیا بکلی بی‌خبر باشد. اینها می‌خواهند شما شادی نداشته باشید، نوروز نگیرید و لبخند بر لبانتان نقش نگیرد. همیشه عزادار باشید و همیشه بر سر خاک عزیزانی که خمینی کشته و به کشتن داده اشک بریزید. ولایت فقیه دشمن زن و زندگی است. علیه این مرتجعین سیاهکار بپاخیزید و همچنانکه رژیم منحوس پهلوی را به گور سپردید این گورپرستان را هم روانه گورستان سازید.

هم‌میهنان عزیز!

شما شش سال پیش در چنین روزهایی با به زیر کشیدن رژیم منفور شاهنشاهی اولین بهار آزادی خود را جشن گرفتید. اما کسانی که قدرت را در دست گرفتند، با سوء استفاده از اعتماد شما به شما و انقلاب خیانت کردند و جنگ و استبداد و بی‌عدالتی و جهل و تاریکی را بر کشور شما سایه‌افکن کردند. اما این خائنان یقین داشته باشند که عمر این رژیم خائن زیاد نخواهد پایید. و اینها هم مثل آریامهر سرانجام بگور سپرده می‌شوند. رژیم خمینی بهرحال دیر یا زود رفتنی است. مسأله مهم اینست که چه کسی جای این رژیم خواهد نشست؟ از مردم یا از دشمنان مردم؟ اکنون رسواشدگان آریامهری و دیگر عمال و سرسپردگان به امپریالیسم جهانی تلاش می‌کنند نفرت شما از رژیم کنونی را وسیله تطهیر خود کنند و رسوایی‌ها و جنایات خود را پنهان کنند. سلطنت‌طلبان و همه کلان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم دشمن شما هستند. آنها را افشا کنید و اجازه ندهید خائنین سرنگون شده و سازشکاران رسوا دوباره به میدان بیایند. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سنگر و سازمان استوار شما برای مبارزه علیه ارتجاع حاکم است. صلح، استقلال، دمکراسی و عدالت اجتماعی هدف مبارزه ماست. رژیم خمینی ما را به جرم میهن‌پرستی، صلح‌دوستی، آزادیخواهی و عدالت‌طلبی به زندان و شلاق می‌کشد و سرکوب می‌کند. با این حال فداییان خلق هر روز نیرومندتر از پیش علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم و تمام عمالش پیکار انقلابی خود را گسترش می‌دهند. از فداییان خلق ایران، به هر شکل که می‌توانید حمایت کنید. با حمایت خود از فداییان بانگ صلح و آزادی را در فضای میهن پرواز دهید.

نیروهای ملی و دموکراتیک!
سازمانها و احزاب مترقی ایران!

در آستانه سال نو سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از شما دعوت می‌کند. اکنون که رژیم خمینی هرچه بیشتر در بحران فرو می‌رود، اجازه ندهیم گروهی دیگر از مرتجعین از پراکندگی نیروهای خلقی بهره‌برداری کنند و یک بار دیگر یک حکومت جنایتکار، ضدمردمی، مرتجع و وابسته را بر خلق ما تحمیل کنند. دسته‌جات متعفن شاه‌پرست، سازشکاران معلوم‌الحال و خمینی‌پرستان مرتجع هریک می‌کوشند در مسابقه خیانت و جنایت از یکدیگر سبقت بگیرند. بیایید در این آستانه سال نو عهد کنیم که سال نو را به سال اتحاد استوار خود بدل سازیم و به نیروی این اتحاد، خواب ارتجاع غالب و مغلوب را برای تسلط بر این میهن بلاکشیده نقش بر آب سازیم. اجازه ندهیم اختلافات ما و انتقادات ما نسبت به افکار و کردار یکدیگر تخم جدایی و کینه و دشمنی در میان ما بکارد و مایه تداوم سیه‌روزی خلق گردد. بازو در بازوی هم اندازیم و ناقوس مرگ ارتجاع حاکم را به صدا درآوریم، میهنمان را از چنگ این جلادان و خیانتکاران جاهل و جنگ‌طلب برهانیم، به نیروی اتحاد خلق حاکمیت را به خلق بازگردانیم، پرچم صلح، آزادی و استقلال و عدالت را بار دیگر بر بام میهن برافرازیم و هر روزمان را نوروز سازیم.

با درود و سلام به همه عزیزانی
که در این آستانه نوروز عزیزان
خود را در این بمبارانها و در این
جنگ اهریمنی از دست داده‌اند و
با آرزوی صلح و رهایی برای میهن
زجردیده‌مان!

۲۹ اسفند ۱۳۶۳ — فرخ نگهدار

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزید!

کارگران و زحمتکشان ایران!

سران خائن جمهوری اسلامی صدها هزار نفر را در جنگ کثیف به کشتن داده‌اند، صدها شهر و روستا را به آتش کشیده و کشور را ویران می‌کنند. سران رژیم جنون جنگ دارند، همه چیز را در خدمت جنگ درآورده‌اند، دشمن صلح‌اند.

در هر کجا که هستید، علیه جنگ اعتراض کنید، علیه جمع‌آوری کمک و اعزام نیرو به جبهه اعتراض کنید. علیه جنگ اعتصاب کنید، برای صلح تظاهرات کنید. ماشین جنگی رژیم را فلج سازید!

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

علیه رژیم متحد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم خمینی جوانان و همه چیز کشور را در آتش جنگ اهریمنی نابود می‌کند، خواهران و برادران انقلابی و آزادیخواه شما را در سیاهچالها شکنجه و کشتار می‌کند.

رژیم خمینی خادم سرمایه‌داران بزرگ و تجار غارتگر است، از حقوق شما می‌دزدد تا کیسه گشاد آنان را پر کند. این رژیم دشمن اتحاد و تشکل شماست، مدافع آزادی کلان سرمایه‌داران است.

رژیم خمینی خدمتگزار بزرگ مالکان است، به زور سرنیزه زمین دهقانان را می‌گیرد و به خانها و اربابها بازمی‌گرداند. شما رژیم شاه را سرنگون کردید. شما ستون اصلی مبارزه علیه رژیم هستید. متحد و متشکل شوید و سلاح اعتصاب را علیه رژیم بکار اندازید، مقاومت رژیم را درهم شکنید.

برای استقرار صلح و آزادی، برای تامین کار و مسکن، برای برانداختن گرانی و آوارگی علیه رژیم متحد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

ساواک خمینی در توطئه علیه فدائیان

بدنبال اطلاعیه مورخ ۲۲ بهمن روابط عمومی وزارت اطلاعات که در آن رژیم مدعی شده بود که عده‌ای از فعالین گروهی را که ۳ سال قبل از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) انشعاب کرده‌اند "گروه کشتگر" را مورد هجوم و بازداشت قرار داده است، ری شهری رئیس ساواک خمینی در یک کنفرانس مطبوعاتی تلاش نمود با طرح ادعای ضربه به گروه کشتگر "ضمن عنوان کردن اتهامات رذیلانه‌ای به سازمان ما چنین وانمود کنند که گویا فداییان (اکثریت) مورد هجوم قرار گرفته‌اند.

مقدمتا باید توضیح دهیم که از تابستان گذشته به این سو، علیرغم گسترش فعالیت سازمان هیچیک از کادرهای مسئول سازمان ضربه نخورده‌اند. البته آنها هرکجا که دستشان رسید زهر خود را ریختند و انتقام گرفتند. آنها طی سال گذشته چهار نفر از بهترین رفقای ما و از مجرب‌ترین کادرهای جنبش انقلابی ایران رفقا موذنی پور، خشکه‌بیجاری، میثمی و پورجم را به دلیل تسلیم نشدن به نیات پلیدشان ناجوانمردانه به شهادت رساندند. این رفقا هیچکدام امسال دستگیر نشده‌اند.

مطابق آخرین اطلاعات، عمال رژیم برای انتقام از سازمان عده بیشتری از فعالین و چهره‌های شناخته شده سازمان را که در زندان اسیرند به زیر شکنجه کشیده و قصد جان آنان را دارند.

یک هدف رژیم از برگزاری کنفرانس فوق، تلاش مذبوحانه برای جبران ناکامی هایش در برابر سازمان ما بوده است. با همه تلاشهای رژیم فعالیت انقلابی و تبلیغات سیاسی سازمان در سراسر کشور و در خارج بطور منظم گسترش یافته است. حضور فعال سازمان در میدان رزم توده‌ها بویژه جنبش کارگری ایران، کوشش پیگیر برای متحد کردن همه نیروهای ترقیخواه کشور و برای گسترش تعرض متحدانه به ارتجاع حاکم را نگران کرده است. تشدید رسوایی رژیم و مخالفت توده‌های وسیع خلق با آن این نگرانی را دو چندان ساخته است. این همه رژیم را وا می‌دارد تا بر تلاشهایش علیه سازمان بیافزاید و برای جو سازی به سود خود بوق های تبلیغاتی اش را به صدا درآورد.

ری شهری در برشمردن اهداف مبارزه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) چهار بار از تلاش ما در راه تشکیل جبهه متحد خلق نام می برد و هراس رژیمش را از آن از پرده برون می اندازد. بعلاوه کاملا قابل توجه است که چگونه این جلاد به قصد اهریمنی ضربه زدن و مختل کردن روند اتحاد خلق بیشرمانه ترین دروغها را سرهم می کند و مدعی می‌شود که گویا سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اطلاعاتی درباره سازمان مجاهدین خلق ایران را فاش ساخته است. هدف این دروغ رذیلانه مشخصا اخلال در مناسبات نیروهایی است که در مبارزه علیه رژیم دارای آماجهای مشترک معین هستند.

ساده اندیشی محض است اگر فکر کنیم اهداف رژیم علیه ما فداییان خلق ایران به همین ها منحصر می شود. رژیم هرگز از توطئه و دسیسه تازه علیه سازمان ما باز نخواهد ایستاد. این از ماهیت رژیم ناشی می‌شود. اینها هرچه بیشتر خواهند کوشید که هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ سازمانی تمام نیروی اهریمنی خود را علیه ما بکار گیرند.

هدف آشکار آیت اله "مقام امنیتی" هدفی که وی در کنفرانس مطبوعاتی خود نیز آنرا برملا کرد بیش از هر چیز تلاش برای شناسایی و سرکوب نیروهای فعال سازمان و خاموش کردن این سنگر اعتراض و مبارزه خلق است. تلاشی که لزوما می باید هشیاری بیشتر ما را برای مقابله با آن و آمادگی بیشتر برای خنثی کردن آن را به دنبال داشته باشد. چیزی که در چشم‌اندازی که در پیش است، اهمیتی فوق‌العاده کسب می کند.

ما برای درهم شکستن ارتجاع حاکم برخاسته‌ایم و آنها برای شکستن سازمان ما. چنین نبرد سخت و سهمگین از ما ایستادگی ایمان انقلابی خردمندی و روشن‌بینی هرچه بیشتری می‌طلبد. گرچه برای پیروزی در این نبرد راهی دشوار پیش روی ما قرار دارد، اما ما یقین و ایمان داریم که شرایط سختی را که این رژیم سیه کار بر زحمتکشان و انقلابیون میهن ما تحمیل کرده است دیری نخواهد پائید و قطعا ما در این نبرد پیروز خواهیم شد.

نامه کمیته مرکزی سازمان به خاویر پرزدو کوئه‌یار

آقای پرزدوکوئه‌یار، دبیرکل سازمان ملل متحد!

چنانکه می دانید جنگ ۴/۵ ساله ایران و عراق که تاکنون زیانهای جبران ناپذیری برای دو کشور ببار آورده و همچنان خطری جدی علیه صلح و امنیت کل منطقه حساس خاورمیانه است، بار دیگر اوج گرفته و فجایع هولناکی در کشور ما و در عراق ببار آورده است. در پی شکستن تعهد دو دولت در خودداری از حمله به هدفهای غیرنظامی که با ابتکار سازمان ملل متحد و شخص شما به انجام رسیده بود، اکنون رژیمهای ایران و عراق در ابعادی بی سابقه و دهشتناک با بمب و موشک و توپ، مردم بیگناه شهرهای دو کشور را به خاک و خون می کشند. رژیم خمینی مردم بیگناه بصره را زیر آتش مداوم توپخانه قرار داده و رژیم صدام سلاحهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مورد استفاده قرار می دهد. مردم میهن ما خواهان آنند که همه سازمانها و شخصیت های ترقیخواه و صلح دوست جهان به کوششهای خود برای قطع جنگ و پایان دادن به کشتار مردم و ویرانی کشورما بیافزایند.

کمیته مرکزی سازمان ما از شما تقاضا دارد که تمامی مساعی خویش را برای متعهد کردن طرفین جنگ به رعایت موافقتنامه قبلی در مورد عدم حمله به هدفهای غیرنظامی، و برای برقراری آتش بس و قطع جنگ و پایان دادن بی درنگ به این جنایات مبذول دارید.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

رفقا و دوستان عزیز!

از این پس آن دسته از نوشته های کار که می‌بایست وسیعا در میان توده‌ها تبلیغ شود با یک ستاره در آخر و نوشته هایی که میبایست در دستور بحث و آموزش واحدهای سازمانی و همه رفقا قرار گیرد با دو ستاره در آخر متمایز میشوند.

یادنامه رفیق تقی قانع خشکبیجاری

رفیق تقی قانع خشکه‌بیجاری عضو هیات اجرایی کمیته ایالتی تهران در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده زحمتکش روستایی دیده به جهان گشود. او از همان کودکی شاهد کار شاق و دشوار زنان و مردان در شالیزارها و تلاش شبانه روزی خانواده‌اش برای گذران زندگی محقرشان بود.

در سال ۴۸ ساواک برادر شهیدش، فدایی خلق یوسف قانع خشکه‌بیجاری را بازداشت کرد. زندگی برادر الهام بخش تقی برای مبارزه با رژیم شاه شد، او در سال ۵۱ بهمراه رفقایش محفل فعالی را در رشت تشکیل دادند. رفیق تقی در سال ۵۲ و ۵۳ فعالیت گروهی را گسترش داد و به پخش گسترده اعلامیه در محلات زحمتکش نشین، و در بین کارگران و گروههای روشنفکری پرداخت. در این دوره از فعالیت یوسف راهنمای فعالیت تقی بود. در تیرماه ۵۵ که رفیق یوسف خشکه‌بیجاری همراه با رفیق حمید اشرف بدست دژخیمان رژیم شاه به شهادت رسید، ساواک تقی را نیز بازداشت کرد. اما از فعالیت او آگاه نشد و او را رها ساخت. شهادت یوسف، تقی را در مبارزه علیه رژیم راسخ‌تر کرد. یوسف در تربیت و پرورش روحیه پیکارجویی رفیق تقی نقش جدی داشت و او را در مطالعه و درک ماهیت واقعی رویدادهای کشور یاری می کرد. زندگی و مرگ انقلابی رفیق خشکه‌بیجاری، برای رفیق تقی سرمشق شکوهمند عشق به مردم و کینه به دشمنان آن بود.

رفیق تقی در سال ۵۲ وارد تربیت معلم شد و در جلب دانشجویان به مبارزه فعالانه کوشید. گروه مبارزی که با شرکت رفیق و برپایه آماجها و رهنمودهای سازمان تشکیل شده بود در مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان تربیت معلم نقش جدی داشت و خود رفیق در طراز سازماندهندگان درجه اول جنبش دانشجویی ایران قرار گرفت.

در دوران انقلاب رفیق تقی با سازمان مرتبط شد و از این پس گروه تحت مسئولیت او در مبارزه در حال گسترش مردم و جنبش انقلابی و دانشجویان نقش بیشتری بعهده گرفت. در این دوره رفیق تقی و گروه تحت مسئولیت او در تکثیر و پخش اعلامیها و تبلیغ مواضع سازمان در تهران، گیلان و کرج شبانه روز فعالیت می کرد.

با پیروزی انقلاب رفیق تقی به همراه عده دیگری از همرزمانش در پی ریزی سازمان دانشجویان پیشگام دانشگاهها و مدارس عالی کشور وظایف انقلابی خود را در تعمیق و گسترش انقلاب انجام می داد.

در سال ۵۸ کمیته مرکزی سازمان امر ایجاد و تحکیم سازمانهای حزبی را در دستور قرار داد و در این رابطه وظیفه ایجاد سازمانهای حزبی در شرق تهران به رفیق تقی سپرده شد. رفیق تقی با کار شبانه روزی موفق شد وظیفه محوله را به خوبی انجام دهد. رفیق در این دوره از فعالیت انقلابی خود در سازماندهی کارگران صنوف تهران نقش ارزنده‌ای ایفا کرد. به پاس خدمات او به سازمان و مردم، در سال ۵۹ به عضویت کمیته ایالتی تهران انتخاب شد. رفیق تقی تا سال ۶۰ که برای نخستین بار توسط ارگانهای سرکوب رژیم اسیر شد، در همین پست سازمانی انجام وظیفه می کرد.

در جریان اسارت وی در سال ۶۰ عوامل سرکوب رژیم در زندان نتوانستند به فعالیت و موقعیت او آگاه شوند. او پس از ۸ ماه از زندان آزاد و مجددا وظایف پرمسئولیت تری را بعهده گرفت و در سال ۶۱ بعنوان عضو هیات اجرایی کمیته ایالتی تهران انتخاب شد. رفیق تقی یک بار دیگر در سال ۶۱ دستگیر و پس از چند هفته آزاد شد و در مسئولیت عضو هیات اجرایی تهران به فعالیت انقلابی خود ادامه داد.

رفیق در شرایط حمله ارتجاع به حزب توده ایران و پیگرد شدید رهبران و کادرهای سازمان ما کماکان در مسئولیت عضو هیات اجرایی وظایف خود را به نحو احسن انجام می داد. رفیق تقی در جریان انجام یک ماموریت سازمانی در تیرماه ۶۲ به همراه همسر یاردارش دستگیر و زیر شکنجه جلادان اوین قرار گرفت. رفیق تقی، همچون برادر شهیدش بر مواضع انقلابی خود مردانه استوار ماند. در اواخر تابستان ۶۳ وقتی عوامل سرکوبگر و جنایتکار رژیم درمانده شدند، رفیق تقی قانع خشکه‌بیجاری را رذیلانه اعدام کردند.

شهید تقی قانع خشکه‌بیجاری در سنگر سازمان به جنبش انقلابی مردم ایران خدمات ارزنده‌ای نمود. فداییان خلق ایران از ایستادگی، پیکارجویی و عشق ورزی او به انقلاب و مردم و میهن، از دلیری و مردانگی او الهام می گیرند و پرچم رزم او را افراشته نگه می دارند.

پررهرو راه او   جاودان یاد او

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام شادباش به رفیق میخائیل سرگئی ویچ گارباچف

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) انتخاب شایسته شما را به مقام دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه تبریک می گوید.

اطمینان داریم که حزب کمونیست اتحاد شوروی تحت رهبری شما همچنان به مبارزه پیگیر در راه حفظ صلح جهانی، به تلاش همه جانبه در راه استحکام و یکپارچگی هرچه بیشتر جامعه کشورهای سوسیالیستی و تقویت بنیه دفاعی میهن لنین کبیر، به حمایت و پشتیبانی همه جانبه از جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و نهضت های رهایی بخش ملی و به پایبندی عمیق به ایده‌های مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ادامه خواهد داد.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از صمیم قلب آرزو و اطمینان دارد که حزب کمونیست و خلق اتحاد شوروی به موفقیتهای باز هم بیشتری دست یابند.

کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۲۱ اسفند ۶۳ (۱۲ مارس ۸۵)

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزیم

بقیه از صفحه اول

نیروهای میهن پرست و صلح دوست ایران!

مسئولیت خطیری بردوش ماست. رژیم خمینی با جنون جنگ طلبی خود دار و ندار مردم ما را نابود و استقلال و آزادی و تمامیت میهن ما را بر باد می‌دهد. لجام زدن به این جنایات جنون آمیز اکنون برای همه ما به یک وظیفه کاملا فوری مبدل شده است. هر روز که این جنگ ادامه می یابد ابعاد فاجعه و زیانهای بکلی غیرقابل جبرانی که کشور ما متحمل می شود به شدت افزایش می یابد. نباید گذاشت کارزار بگذرد و همه چیز را برباد دهند.

همکاری و اتحاد عمل ما علیه این جنگ خانمانسوز و در راه صلح اکنون به امری کاملا مبرم تبدیل شده است. اتحاد ما یقینا می تواند رژیم خمینی را به تسلیم وادار سازد. کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تمام سازمانها، احزاب، محافل و شخصیت های صلح دوست و میهن پرست ایران را فرا می خواند که اقدام و عمل خود را علیه جنگ هماهنگ سازیم. بپاخیزیم و با تمام قوا، با تمام امکانات، به هر شکل ممکن در سراسر میهن مبارزه علیه این رژیم ارتجاعی و این جنگ خانمانسوز را اوج تازه‌ای بخشیم. متحد شویم، بپاخیزیم و به نیروی اتحاد خود صلح و دموکراسی و استقلال و عدالت اجتماعی را در کشور برقرار سازیم.

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزیم
پیروز باد صلح

کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۳

ارکان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فروردین ماه ۱۳۶۴
شماره ۱۴ صفحه ۴

درگذشت رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرننکو

روز ۱۹ اسفندماه کنستانتین اوستینوویچ چرننکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رییسه شورای عالی اتحاد شوروی درگذشت. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در روز ۲۰ اسفند پلنوم فوق العاده خود را تشکیل داد و احترام عمیق خود را به فرزند وفادار حزب، رجل برجسته حزبی و دولتی و به مبارز خستگی ناپذیر در راه آرمانهای شریف کمونیستی ادا نمود.

کنستانتین چرننکو تمام زندگی خود را وقف خدمت به حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی نمود و در هر مسئولیت حزبی و دولتی قرار گرفت با تمام قوا کار کرد و به عنوان مدافع پرشور مارکسیسم- لنینیسم عمل نمود. اعتقاد عمیق به راه لنین، عشق شدید به مردم، توانمندی و احساس مسئولیت در مقابل حزب صفات برجسته چرننکو بود. تجربه سیاسی ارزشمند چرننکو به کاملترین نحوی در مقام دبیر کل حزب مشخص گشت. در دوره رهبری وی کمیته مرکزی و هیات سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیمات مهمی پیرامون مسایل بنیادی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور و تربیت کمونیستی توده‌ها اتخاذ نمود. چرننکو به تکامل سوسیالیسم پیشرفته، بهبود کار ایدئولوژیک، ارتقاء خلاقیت توده‌ها، تحکیم انضباط، قانونیت و نظم توجه جدی مبذول داشت.

کنستانتین چرننکو سطح بلوغ اجتماعی جامعه شوروی را فرموله کرده و اعلام نمود که "ما در آغاز یک مرحله تاریخا طولانی سوسیالیسم تکامل یافته هستیم" و بنابراین باید از گزافه‌گویی و ذهنی گری در ارزیابی از میزان پیشرفت سوسیالیسم پرهیز شد. چرننکو بر رشد تولیدات اجتماعی، کاربست تکنولوژی جدید در واحدهای تولیدی و کیفیت بالای کالاها، ارتقاء راندمان کار و صرفه‌جویی در مواد تولید تاکید داشت.

کنستانتین اوستینوویچ چرننکو در تحکیم همکاری همه جانبه کشورهای سوسیالیستی، تحقق همگرایی اقتصادی سوسیالیستی نقش بسزایی ایفا نمود. تحت رهبری او تلاشهای جدی برای حفظ صلح جهانی و قطع مسابقه تسلیحاتی صورت گرفت و در مقابل برنامه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم، تدابیر جدی اتخاذ گردید.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به پیشنهاد آندره گرومیکو عضو هیات سیاسی، میخاییل سرگییویچ گارباچف را به عنوان دبیرکل کمیته مرکزی اتحاد شوروی انتخاب نمود.

میخاییل سرگییویچ گارباچف در مراسم تشییع جنازه کنستانتین اوستینوویچ چرننکو اعلام کرد که در رشد ابتکار و خلاقیت توده‌ها، رعایت اکید نظم و قوانین، انضباط کاری، دولتی و حزبی در آینده نیز مرکز توجه حزب خواهد بود و بر ضد هر آنچه که با موازین زندگی سوسیالیستی ناسازگاری و مغایرت دارد مبارزه خواهد شد.

رفیق گارباچف شخصیت برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی است. وی در سال ۱۹۷۱ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد. در سال ۱۹۷۸ به عنوان دبیر کمیته مرکزی و در سال ۱۹۸۰ به عضویت هیات سیاسی نائل آمد. او نماینده شورای عالی در دوره‌های هشتم تا یازدهم بود. گارباچف در تمامی مسئولیتهایی که حزب به وی محول کرده است با انرژی و ابتکار وافر، تمامی درک و تجربه غنی و استعداد سازماندهی خود را بکار گرفته است. میخاییل گارباچف به پاس خدماتش به حزب کمونیست و دولت شوروی سه بار به اخذ افتخار دریافت مدال لنین، هلال انقلاب اکتبر و پرچم سرخ کار نایل آمده است.

کمیته مرکزی سازمان به مناسبت درگذشت کنستانتین اوستینوویچ چرننکو به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیام تسلیت فرستاد.

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت درگذشت رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرننکو

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تاسف و تاثر عمیق خود را نسبت به درگذشت رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرننکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رییسه شورای عالی اتحاد شوروی ابراز می‌دارد.

مبارزه پیگیر و وقفه ناپذیر در راه حفظ صلح جهانی، فعالیت خستگی ناپذیر برای ارتقاء باز هم بیشتر سطح رفاه زندگی مردم و در راه هدایت جامعه سوسیالیسم پیشرفته در اتحاد شوروی و فعالیت شبانه روزی در راه تحکیم همبستگی خلقها در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی از جمله کارنامه درخشان مبارزه و زندگی پربار اوست. فقدان رفیق چرننکو ادامه دهنده صدیق راه و روش لنین کبیر برای بشریت ترقیخواه ضایعه‌ای سنگین است.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) درگذشت رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرننکو را به کمیته مرکزی حزب کمونیست، به مردم اتحاد شوروی و به خانواده رفیق تسلیت می‌گوید.

کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۲۱ اسفند ۶۳ (۱۲ مارس ۸۵)

پیام به دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوا

دانیل اورتگا رییس جمهور نیکاراگوئه

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تهدیدات اخیر ریگان و جرج شولتز مبنی بر دخالت مستقیم آمریکا جهت سرنگونی دولت انقلابی نیکاراگوئه را شدیدا محکوم کرده و از پیکار حماسه ساز مردم نیکاراگوئه علیه امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن و از ابتکار شما برای استقرار صلح عادلانه و پایدار در منطقه آمریکای مرکزی قویا پشتیبانی می‌کنند.

مردم ستمدیده نیکاراگوئه سالیان دراز برای رهایی از جور و ستم حکومت دست نشانده آمریکا مبارزه کردند و با رهبری داهیانه جبهه آزادیبخش ملی ساندنیستها موفق شدند که به حیات ننگین دیکتاتوری خون آشام سوموزا پایان دهند و در راه پی ریزی جامعه آزاد و آباد گام بگذارند. دولت ریگان که با تشدید سیاستهای جنگ افروزانه و تجاوزگرانه جهان را به آستانه جنگ هسته‌ای سوق داده است، نمی‌تواند شاهد شکوفایی دولت انقلابی ساندنیستها در آمریکای لاتین باشد. امپریالیسم آمریکا از همان بدو پیروزی مردم نیکاراگوئه، قلب انقلاب را با تیرهای زهرآگین نشانه گرفت.

انتخاب شما به عنوان رییس جمهور و پیروزی جبهه ساندنیستها در انتخابات نمایندگان مجلس ملی، آشکارا نشان داد که مردم قهرمان و شجاع نیکاراگوئه مصممانه و یکپارچه در مقابل سیاستهای تجاوزگرانه دولت ریگان ایستاده‌اند و از سیاستهای دولت انقلابی شدیدا حمایت می‌کنند. کامیابی چشمگیر نیروهای انقلابی در انتخابات موجب شده است که دولت آمریکا بر اقدامات تجاوزگرانه خود بیافزاید.

ارایه پیشنهادهای جدید و سازنده از جانب شما و پشتیبانی از سند صلح گروه کشورهای کنتادورا در این موقعیت حساس، بیانگر احساس مسئولیت عمیق دولت انقلابی نیکاراگوئه در استقرار صلح در منطقه پرتشنج آمریکای مرکزی است.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بهمراه مردم ایران که در شرایط سخت و خفقان آوری علیه ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی پیکار می‌کنند، عمیقا با مبارزه سرسختانه مردم نیکاراگوئه علیه امپریالیسم آمریکا، این دشمن مشترک خلقهای ما، احساس همبستگی می‌کنند و در این نبرد سرنوشت ساز از مردم و دولت انقلابی نیکاراگوئه پشتیبانی می‌نمایند.

کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۱۶ اسفند ۶۳ (۷ مارس ۸۵)

خمینی، اسلام ما را موظف می‌کند

بقیه از صفحه ۱۲

بطور ویژه تعداد زیادی از ساواکیهای فراری به کار دعوت شدند و حتی برای جذب بعضی از آنها به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور ماموریتهای مخصوص داده شده است. گزارشات متعددی حاکی از این است که سرکلهٔ ساواکیهای معروف شهرها و استانهای گوناگون مجددا پیدا شده است. زمینها، آپارتمانها و کارخانه‌های آنها به عنوان گام اول بازگردانده شده و حقوق "معوقه" بعضی از آنها پرداخت گردیده است. اکنون این ساواکیهای "محترم" با همکاری سازمانهای امنیت رژیمهای آمریکایی گردانندگان اصلی و پشت پرده وزارت اطلاعات اند و سیاست و برنامه و مشی آنرا تدوین می‌کنند.

تشکیل ساواک در جهت تکامل سیستمهای سرکوب رژیم است. امکان ارتجاع حاکم برای ادامه روشهای قرون وسطایی کنونی برای سرکوب جنبش توده‌ای و پیشروان آن هر روز محدود و محدودتر می‌گردد. رژیم می‌خواهد بدور از چشم مردم و بی سروصدا مبارزان و مخالفان خود را سربه‌نیست کند. تکمیل روشهای پلیس سیاسی خمینی، انقلابیون را بر آن می‌دارد که با هوشیاری بیش از پیش به مبارزه بپردازند، تاکتیکهای مزورانه ساواک رژیم را بشناسند، به همرزمان خود آموزش دهند و یک گام پیش تر از آن حرکت کنند.

مردم میهن ما که ساواک و ساواکیها را به گور سپردند، ساواک خمینی را نیز به سرنوشت آن گرفتار خواهند ساخت. مردم سرسازگاری با چنین دستگاههای سرکوب و اختناق ندارند و با مبارزه خود آنرا منحل و نابود خواهند کرد.

* * * *

اطلاعاتی درباره اقدامات ساواک رژیم

با شکل گیری وزارت ساواک رژیم و یککاسه شدن ارگانهای اطلاعاتی گوناگون، اقدام برای شناسایی و تنظیم و تشکیل پرونده‌های امنیتی برای مردم در محیط‌های گوناگون بطور گسترده‌ای آغاز شده است. شناسایی عناصر مترقی و پیشرو در کارخانجات، ادارات، ارتش، مدارس و دانشگاهها و... و تشکیل پرونده‌های امنیتی و زیر نظر گرفتن آنها، از تلاشهای مذبوحانه اخیر ساواک رژیم است که بمنظور حفظ آن در شرایطی که جنبش توده‌ای رو به گسترش است صورت می‌پذیرد.

بر اساس گزارشهای رسیده ارگانهای اطلاعاتی رژیم برای شناسایی نیروهای مترقی در ارتش اقداماتی را آغاز کرده‌اند. به واحدهای گوناگون ارتش دستور داده شده است که مشخصات، سوابق و کلیه اطلاعات درباره پرسنل کادر شاغل در ارتش را جمع آوری کرده و به مراکز اطلاعاتی مربوطه بفرستند. ساواک رژیم اخیرا فرمهایی را در بعضی از کارخانجات و مراکز کارگری توزیع کرده و کارگران را مجبور می‌سازد تا مشخصات و سوابق خود و خانواده و دوستان و آشنایان را بنویسند و به آنها بازگردانند. ساواک خمینی برای کنترل دانش آموزان سال آخر دبیرستانها که آماده برای آغاز فعالیت اجتماعی در محیط‌های گوناگونند به سبک فاشیستها پرونده امنیتی تنظیم می‌کند. بر اساس این تصمیم مدارس متوسطه در شهرهای گوناگون از هر یک از دانش آموزان سال آخر ۲ قطعه عکس می‌گیرند و از آنها می‌خواهند تا پرسشنامه‌ای که در آن مشخصات کامل، سوابق خود دانش آموز و خانواده و دوستان و نزدیکان او پرسیده شده است را تنظیم نموده و تحویل دهند. طبق بخشنامه‌های مقامات امنیتی رژیم پرسنل ارتش را موظف کرده‌اند که در صورت اقامت غیرمنتظره دوستان، اقوام و آشنایان در منزل مسکونی آنها مراتب را فورا به آنها گزارش کنند.

شهریه مدارس شبانه فشار بر زحمتکشان

گرفتن شهریه از محصلین مدارس شبانه فشاری دیگر بر گرده زحمتکشان میهن ماست. جوانان بسیاری که از شدت محرومیت و در جستجوی لقمه‌ای نان برای سیرکردن شکم خود و خانواده‌شان چاره‌ای جز رها کردن درس و مدرسه، دست کشیدن از شوق و پویایی جوانی و رانده شدن به زیر کار روزمره و زحمات کمرشکن نداشته‌اند، اینک از سواد آموزی در دوره شبانه نیز محروم می‌شوند. این امر که در پی دیگر اقدامات رژیم از جمله برقراری شهریه‌های سنگین در مدارس، افزایش فاحش قیمت کتابهای درسی و بالابردن شهریه و هزینه‌های کودکستانها صورت می‌گیرد، سیاستهای ضدمردمی رژیم در آموزش و پرورش کشور بیش از پیش آشکار می‌سازد.

حکام جمهوری اسلامی با خیانت به انقلاب این خواست انقلابی مردم را نیز که تامین امکانات تحصیل رایگان برای فرزندان میهن ما بوده است زیرپا گذاشته‌اند. آنان نه تنها کوچکترین گامی در راه رفع مشکل بیسوادی میلیونها مردم کشور برنداشته‌اند، بلکه خود عامل گسترش بی سابقه بیسوادی و سیه روزی مردم رنجدیده ایران می‌باشند.

آقای نخست وزیر و مجلس رژیم ارتجاع در بودجه سال ۶۴ کشور یک بار دیگر از سهمیه ناچیز آموزش و پرورش و دیگر نیازهای حیاتی مردم کسر کرده و بر هزینه‌های عظیم جنگی که کمر زحمتکشان را خرد کرده و جیب سرمایه‌داران را پر می‌کند، افزوده‌اند. آقای نخست وزیر برای این کسری هزینه نیز به حساب "خودیاری مردم" یعنی دغدغه خاطر جیب خالی زحمتکشان را نظاره دارد. تبصره ۷۷ بودجه می‌گوید که "به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود بمنظور تامین کلیه هزینه‌های مربوط به آموزشهای قبل از دبستان و بزرگسالان و قسمتی از هزینه‌های مربوط به آموزشهای ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی از دانش آموزان و تکرارکنندگان (ردشدگان) پایه‌های تحصیل آموزشهای مذکور... شهریه دریافت دارند و هزینه نمایند". سردمداران رژیم خمینی آنگاه که حرف محدود کردن غارت و استثمار و یا گرفتن مالیات از سودهای میلیونی کلان سرمایه‌داران و تجار بزرگ در میان باشد، دچار "اشکال شرعی" می‌شوند، اما آنجا که کار چاپیدن مردم، بستن مالیات بر درآمد ناچیز آنان و کم کردن از ابتدایی ترین نیازهای آموزش و بهداشت و غیره "مردم شهیدپرور" در میان است، درنگی نیز جایز نمی‌دانند.

کار سازمانگرانه در شرایط کنونی

تعیین و اجرای مشی مناسب سازمانی در شرایط ترور و اختناق حاکم بر کشور، برای پیشبرد وظایف مبرم سازمان از اهمیت حیاتی برخوردار است. در حال حاضر نبرد واقعی و سرنوشت‌سازی بین ما و دشمن در جریان است. سرکوبگران رژیم تمام قوای خود را جمع می‌کنند، امکانات خود را بکار می‌بندند، از تجارب ساواک و ارگانهای اطلاعاتی کشورهای امپریالیستی بهره می‌گیرند تا تشکیلات سازمانها را درهم کوبند و به فعالیت انقلابی در میان توده‌های مردم پایان دهند. برای درهم شکستن نقشه‌های سرکوبگران و حفظ تشکیلات از گزند دشمن می‌بایست خط مشی سازمانی متناسب با شرایط کنونی اتخاذ گردد.

در اتخاذ خط مشی سازمانی توجه به تناسب نیروها، وضعیت ارگانهای سرکوب دشمن و میزان انسجام و توان جنبش انقلابی امر بنیادی است.

اصل عدم تمرکز تشکیلاتی

ساختار تشکیلات سازمان ما مطابق اساسنامه بر اصل لنینی سانترالیسم ـ دمکراتیک پی‌ریزی شده است. اصل عدم تمرکز تشکیلاتی اصلی است خاص که کاربست آن در شرایط ترور و اختناق کنونی بر سازمان ما تحمیل شده است. لذا درک دقیق این اصل و محدوده عملکرد آن در زندگی سازمانی از اهمیت جدی برخوردار است.

براساس اصل عدم تمرکز تشکیلاتی می‌بایست از پی‌ریزی تشکیلات متمرکز، حجیم و گسترده اجتناب کرده و واحدهای متعدد مستقلی را بوجود آورد. هیچ ریسمان و حلقه تشکیلاتی این واحدها را بهم وصل نمی‌کند. واحدهای مستقل کوچک بوده، از تحرک زیادی برخوردارند و کمتر آسیب‌پذیرند. این واحدها با هاله‌ای از نیروها و محافل هوادار و تشکلهای دمکراتیک احاطه می‌کنند که به کمک آن می‌توانند وظایف متنوع‌تر و گسترده‌تری را به انجام برسانند. در شرایط عدم تمرکز تشکیلاتی، مثل هر شرایطی در زندگی حزب طبقه کارگر وحدت ایدئولوژیک ـ سیاسی شالوده زندگی حزبی است.

سازمان ما بر اصل سانترالیسم ـ دموکراتیک، اصل وحدت اراده و عمل، اصل نفی فراکسیونیسم، گروه‌بندی و پراکندگی و برپایه یکپارچگی و انضباط آهنین سازمانی استوار است. در شرایط فعلی که در تشکیلات سازمان، اصل عدم تمرکز به اجرا گذاشته شده است، رعایت اصول فوق و حفظ و تحکیم وحدت صفوف سازمانی در پرتو رهبری متمرکز و واحد امکان‌پذیر است. عدم تمرکز فقط به عدم تمرکز تشکیلاتی محدود می‌شود و به هیچ وجه به عرصه سیاست و ایدئولوژی تعمیم نمی‌یابد و تنها واحدهای مستقل در داخل کشور را در بر می‌گیرد. واحدهای مستقل می‌بایست تمام ارتباطات تشکیلاتی را با یکدیگر قطع کرده و تنها از طریق ارتباط با رهبری سازمان وظایف خود را انجام دهند. رهبری سازمان می‌کوشد در فعالیت این واحدها، حتی از نظر سازمانی نیز تا حد مقدور وحدت و هماهنگی بوجود آورد. طبعاً پیشبرد اصل عدم تمرکز در تشکیلات سازمان و چگونگی پیاده کردن آن همواره منوط به ارایه رهنمودها و دستوراتی است که از طرف کمیته مرکزی سازمان داده می‌شود. "نشریه کار" و سایر نشریات سازمان، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های کمیته مرکزی تامین کننده وحدت نظر در صفوف نیروهای سازمان هستند. بعلاوه رهبری سازمان می‌کوشد که به طرق ممکن نزدیکترین ارتباط را با واحدهای مستقل جهت حل مسایل سازمانی و ایجاد وحدت بیشتر در امر سیاسی و ایدئولوژیک بوجود آورد. رهبری واحدهای مستقل نیز می‌بایست همه توان و امکانات خود را بکار گیرند تا ارتباط مداوم و منظمی را با رهبری برقرار کنند. برقراری چنین رابطه‌ای از وظایف مقدم و اساسی آنهاست.

مطالعه دقیق نشریه کار و سایر نشریات سازمان، مراجعه مداوم به اسناد سازمانی بویژه اسناد پلنوم، تحکیم رابطه واحدهای مستقل با رهبری و هماهنگی بین فعالیت خود این واحدها وظیفه همیشگی آنهاست.

همه رفقای هوادار در عین حال که باید بکوشند تا هرچه سریعتر متشکل شوند و سازمان یافته فعالیت کنند می‌بایست اکیداً اصل عدم تمرکز را رعایت کرده و در گروههای کوچک با عده محدود متشکل گردند و برای تماس با رهبری اقدام کنند. رهبری سازمان رهنمودهای لازم را برای ادامه فعالیت هریک از این گروههای کوچک ارایه می‌دهد.

برتری کیفیت بر کمیت

اصل برتری کیفیت بر کمیت اصل عامی است که هر حزب طبقه کارگر همواره و در هر شرایطی بعنوان اصل راهنما در گزینش و سازماندهی اعضا و کادرها بکار می‌بندد. در شرایط سرکوب وحشیانه رژیم، کاربست این اصل اهمیت برجسته و ویژه‌ای پیدا می‌کند. کار سازمانی در شرایط ترور و اختناق از هر گروه انقلابی تحرک، قدرت مانور و کاربری بیشتری را طلب می‌کند. امروز پیشبرد وظایف سازمانی از هر عنصر مبارز پیکارجویی، فداکاری و ظرفیت بیشتری را می‌خواهد بنابراین می‌بایست یارانی را انتخاب کرد که گوشه‌ای از کار را بگیرند، بر محیط کار و زندگی خود اثر بگذارند و در نبرد با دشمن و در پراتیک انقلابی امتحان داده باشند و بتوانند از عهده دشواریها برآیند.

واحدهای مستقل سازمانی باید بگونه‌ای هدایت شوند که استخوان‌بندی و ستون فقرات اصلی آنها از آزموده‌ترین مبارزینی که داوطلبانه کار در این شرایط سخت را پذیرفته‌اند، با فن و شیوه مبارزه با پلیس سیاسی آشنا هستند و از روحیه پیکارجویی و از ظرفیت کاری برخوردارند تشکیل گردد. چنین مشخصه‌ای گرچه افراد کثیری را در برنمی‌گیرد، ولی کاربست این اصل به واحدهای مستقل امکان خواهد داد که با تحرک کافی و با قدرت مانور زیاد به انجام وظایف انقلابی بپردازند. رهبری واحدهای مستقل می‌بایست در انجام وظایف محوله به اعضای خود به اصل برتری کیفیت بر کمیت توجه جدی مبذول دارند.

لازم به تاکید است که رعایت اصل برتری کیفیت بر کمیت و انتخاب صالح‌ترین عناصر انقلابی به هیچ وجه ناقض ارتباطات وسیع واحد مستقل با هواداران سازمان و عناصر دمکرات و ترقیخواه نمی‌باشد. واحدهای مستقل می‌بایست از تمام عناصری که حاضرند حتی قدمی هرچند کوچک به سود جنبش انقلابی ایران و سازمان بردارند استقبال کرده و آنرا در خدمت جنبش قرار دهند.

در کاربست اصل برتری کیفیت بر کمیت و انتخاب همرزم انقلابی نمی‌بایست ملاکهای گفته شده را مطلق کرد و با دید قهرمانگرایانه با عناصر مبارز برخورد کرد که در عمل عده انگشت‌شماری را شامل گردد. بسیاری از خصوصیات انقلابی اکتسابی و نسبی است. مجهز شدن به دانش مارکسیستی ـ لنینیستی، فن مبارزه با پلیس، کاربری، پیگیری و انضباط، فداکاری و پیکارجویی خصلت‌هایی هستند که در کوران مبارزه با دشمن کسب و تقویت می‌شوند. بنابراین به امر آموزش و پرورش نیروها باید تکیه جدی کرده و بطور فعالانه در جهت یافتن و پرورش انقلابیون و جلب آنان به واحدهای مستقل گام برداشت.

جنبه دیگر در رعایت برتری کیفیت بر کمیت، توجه به ترکیب طبقاتی و اجتماعی سازمان می‌باشد. سازمان ما بمثابه سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر برای تقویت استحکام خود و برای بالا بردن خصلت رزمندگی و کارایی خود تلاش می‌کند که صدیق‌ترین و وفادارترین یاران خود را از میان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا انتخاب کند. بدون تردید هرچقدر در ترکیب نیروهای سازمان کارگران و زحمتکشان سهم بیشتری کسب کنند، پیوندهای عینی و ذهنی سازمان با توده‌ها بیشتر تقویت می‌شود.

پنهانکاری و سرّیت

سازمان ما پیکار سخت و آشتی‌ناپذیری را با رژیم جمهوری اسلامی پیش می‌برد و خط مشی خود را بر پایه پایان دادن به حاکمیت ارتجاعی ریخته است. سرکوبگران رژیم با تمام قوا می‌کوشند اطلاعات از کادرها و اعضای سازمان، ارتباطات و چگونگی سازماندهی ما کسب کنند تا ضربه خود را بر پیکر سازمان وارد سازند. در چنین شرایطی باز هم حفظ اسرار سازمانی و رعایت دقیق اصل سریت و پنهانکاری اهمیت حیاتی بیشتری می‌یابد.

رعایت پنهانکاری در عمل، نخستین درس و الفبای مبارزه در شرایط ترور و اختناق است که هر پیکارجوی انقلابی می‌بایست آنرا با خلاقیت و پیگیری فرا گیرد و در پراتیک مبارزاتی بکار ببندد.

در شرایط کنونی لازمست که ارتباطات تمام واحدهای مستقل قطع شود و هر واحد بر امکانات خود متکی گردد. می‌بایست حداقل اطلاعات ممکن که برای انجام وظایف سازمانی ضروری است در اختیار اعضای واحدهای مستقل قرار گیرد. از ایجاد آشنائیهای جدید و غیرضرور در درون واحد سازمانی باید خودداری شود و جابجایی تشکیلاتی به حداقل برسد.

رهبری واحدهای مستقل می‌بایست تمام آموزشهای لازم را برای حفظ اسرار سازمانی به اعضای خود بدهند. باید تلاش نمود که اسناد و اطلاعات به دست دشمن نیفتد و اطلاعات مکتوب در جاسازی نگهداری شود. روابط را باید بگونه‌ای سازمان داد که در صورت دستگیری و یا حمله دشمن حداقل ضربه و آسیب به واحد مستقل وارد شود. حفظ رهبری و کادرهای واحد از مهمترین وظایفی است که بایستی در امر سازماندهی و انجام فعالیتهای انقلابی درنظر گرفته شود.

در چاپ، پخش و توزیع نشریات سازمان باید به خطرات احتمالی، توجه جدی مبذول گردد. در توزیع نشریات می‌بایست حتی‌المقدور از شیوه‌های غیرمستقیم بهره جست و در صورت لزوم پخش مستقیم، محملهای لازم را تدارک دید.

حدود و شیوه‌های پنهانکاری بستگی مستقیم به شیوه‌ها و میزان قدرت عمل دشمن دارد. قبل از هر چیز لازمست که شیوه‌های کار دشمن کشف گردد و تغییرات آن مداوماً مورد توجه قرار گیرد. بدون کشف شیوه‌های پلیس نمی‌توان به مقابله جدی با دشمن برخاست.

امروز سیستم اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی به کمک ساواکیها و با بهره‌گیری از تجارب کشورهای امپریالیستی مداوماً بازسازی می‌شود. ارگانهای امنیتی رژیم در جریان سرکوب نیروهای انقلابی تجربه کسب کرده‌اند و از پرسنل، بودجه و امکانات بالنسبه وسیع و از همیاری ارگانهای پرعده مثل بسیج کارخانجات و محلات، انجمنهای اسلامی و شوراهای مساجد و غیره برخوردار هستند. سرکوبگران رژیم می‌کوشند با توسل به شیوه‌های گوناگون از جمله نفوذ، تعقیب و مراقبت، اعمال شکنجه‌های وحشیانه انقلابیون، کاربست سیستم های عمومی جمع‌آوری اطلاعات و بکارگیری "توابین" از سازمانهای انقلابی اطلاعات کسب کنند و آنها را متلاشی سازند.

واحدهای مستقل سازمانی می‌بایست اسلوب و روش کار دشمن را بشناسند، اطلاعات لو رفته را بی‌اثر کنند، دائماً شیوه‌های کار را مورد بررسی قرار دهند، انضباط سازمانی را دقیقاً رعایت کنند، با ولنگاری، بی‌نظمی و کنجکاوی پیگیرانه مبارزه نمایند. نیروهای خود را همواره تحت مراقبت قرار دهند، از ایجاد ارتباطات و جذب عناصر جدیدی که از کانال آنها خطر نفوذ وجود دارد اجتناب ورزند. انقلابیون می‌بایست مداوماً شیوه‌های کار خود را تغییر دهند و به شیوه خلاق و زنده با امر پنهانکاری برخورد کنند. هیچ رهنمودی نمی‌تواند جای ابتکار و خلاقیت انقلابیون را بگیرد. مبارزه با پلیس سیاسی و بخصوص مبارزه در شرایط ترور و اختناق، نبرد مغزها و پیکار نابرابر انقلابیون جان باخته با امکانات محدود در برابر پلیس سیاسی حرفه‌ای و با امکانات وسیع است. تنها انقلابیون با کسب تجربه و کاربست اصول پنهانکاری در پراتیک و با پویایی فکری می‌توانند سازمان خود را از گزند دشمن حفظ کنند.

حفظ و موجودیت واحدهای سازمانی از اهمیت درجه اول برخوردار است. این واحدها می‌بایست متناسب با میزان رشد خود وظایف بزرگتر و سنگین‌تری را بعهده بگیرند. لازمست که تناسب درست میان گسترش فعالیت واحدهای مستقل و تامین امنیت آن برقرار شود.

تلفیق کار مخفی و علنی

در شرایط کنونی کار مخفی رکن اصلی فعالیت انقلابی سازمان است، ولی کار مخفی به جهت خصوصیات آن ارتباطات توده‌ای را محدود و دشوار می‌سازد. برای پرهیز از این عوارض می‌بایست تلفیق درست و منطقی بین کار علنی و مخفی صورت گیرد تا با بهره‌گیری از امکانات علنی، پیوند سازمان با توده‌های وسیع مردم تحکیم گردد و شرایط برای هدایت و متشکل کردن توده‌های مردم فراهم شود.

ابعاد فعالیت مخفی، هرچقدر هم وسیع باشد، نمی‌تواند توده‌های میلیونی را شامل شود. تراکت و اعلامیه هرچند پخش آن وسیع باشد، دست همه کارگران و زحمتکشان نمی‌رسد و نمی‌تواند برسد. اما اقدام علنی، اگر همه‌گیر هم نباشد، بسیار وسیع است.

هدف اصلی از کار مخفی، دور نگهداشتن فعالین انقلابی از دسترس دشمن نیست، بلکه ایجاد سازمان مخفی به منظور تامین تداوم کار انقلابی و فعالیت در میان توده‌ها و هدایت مبارزات آنهاست. تنها با اتکا به نیروی مردم است که می‌توان ادامه‌کاری سازمان انقلابی را تضمین نمود. برای حفظ حیات و موجودیت واحدهای مستقل رعایت پنهانکاری کافی نمی‌باشد. می‌بایست هر واحد مستقل با انبوهی از نیروها و محافل هواداران، نیروهای مترقی و دمکراتیک و تشکلهای دمکراتیک و توده‌ای تحت رهبری خویش احاطه شده باشد.

واحدهای مستقل باید در سندیکاهای کارگری، تعاونیهای مصرف و مسکن، سازمانهای فرهنگی و آموزشی، باشگاههای ورزشی، فعالیتهای فوق برنامه در مراکز آموزشی و در هر سازمان و موسسه علنی که در آن توده‌ها جمع هستند و یا در هر سازمانی که بهرصورت بتواند پوششی برای فعالیت واحدهای مستقل باشد رسوخ کنند.

کار توده‌ای و علنی به جهت خصوصیات آن کار بست آرام و دراز مدت و نتایج محسوس، فوری و چشمگیر ندارد و دامنه شعارهای مطروحه در کار علنی بسیار محدود و تیزی آن از میان رفته است. درحالیکه در فعالیت مخفی امکان طرح شعارهای صریح و تیز وجود دارد و می‌توان کارگران و زحمتکشان را به پایان دادن به حاکمیت ارتجاع دعوت کرد. بعلاوه کار مخفی ثمر محسوس و فوری دارد. بهمین خاطر دیده می‌شود که برخی رفقا فعالیت انقلابی را تنها در کار مخفی خلاصه می‌کنند و به فعالیت آشکار بهای لازم را قایل نمی‌شوند.

تنها با تلفیق کار مخفی و علنی می‌توان وظایف انقلابی را پیش برد، تشکیلات را از گزند یورشهای مداوم دشمن محفوظ داشت و در کار سازماندهی توده‌ها

بقیه در صفحه ۸

بحران رژیم وچشم انداز آینده

درآغاز سال نو پیش از هرچیز ضروری است که با بررسی وجمعبندی رویدادها وروندهای عمده سال گذشته چشم انداز آینده ووظایفی را که برعهده ما قرار می گیرد هرچه دقیق تر بشناسیم. بویژه تشخیص وظایف نوینی که می توانند در مسیر تکوین یک وضعیت بحرانی درجامعه پیش روی نیروهای ترقیخواه ایران وبطور اخص دربرابر ما قرار گیرد بسیار حساس وپراهمیت است. جمع بست رویدادهای سال گذشته نشان می دهد که سال نو میدانی فراخ تر برای حرکت نیروهای انقلابی خواهد بود. سیر رویدادها به زیان ثبات وبقاء رژیم است، اعتراض ومبارزه توده ها، فعالیت سازمانهای انقلابی وتلاشهای سلطنت طلبان واپوزیسیون لیبرال تشدید می شود وامکان وقوع حوادث پیش بینی نشده افزایش می یابد.

ما همین امروز نمی توانیم بگوییم لحظه تغییر سرنوشت کی خواهد بود. اما می گوییم وتاکید می کنیم که آینده به کار امروز ما بسته است. مساله مرکزی آن است که بدانیم باید آماده باشیم ووظایف بنیادی آن است که هرچه سریعتر آماده شویم. نیروهای انقلابی باید اندیشه وعمل خود را براین متمرکز کنند که وضعیت را، حتی درشرایط وقوع پیش بینی نشده ترین رویدادها به سود خود تغییر دهند.

بحران رژیم

رویدادهای سال گذشته نشانگر تشدید بحران رژیم جمهوری اسلامی است، بحرانی که نه سطحی وگذرا، بلکه بسیار عمیق وپایدار است.

سرچشمه بحران خصلت به شدت ضدمردمی رژیم، جدایی آن از توده ها ورویارویی آن با توده هاست. بررسی کارنامه یک ساله حکومت باز هم روشن تر نشان می دهد که رهبران جمهوری اسلامی درتلاش اند تا جامعه را به عقب برگردانند. می خواهند چنان مناسبات بهره کشانه وستمگرانه ای را به توده ها تحمیل کنند که مانند آن تنها درقرون وسطی ودرمرحله نخستین پیدایش سرمایه داری، که بهره کشی به عریان ترین شکل صورت می گرفت وجود داشت. سیمای عمومی این تلاشها را ازجمله می توان درلایحه "حدود وشیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" دید که آماج آن احیاء مناسبات ارباب ورعیتی است. طبیعتا پاسخ چنین تلاشهایی جز خشم ونفرت آتشین توده ها نیست ونخواهد بود. کسی جز خود حکومتیان وقلیلی افسون شده، امید واعتماد ویا موافقتی با رژیم خمینی ندارد. این رژیم می خواهد به حساب مردم کشورگشایی کند، سازمانهای سیاسی ترقیخواه را ازمیان بردارد، استبداد خشن را برقرار سازد، همه حیات اجتماعی را مذهبی کند وبالاتر ازهمه شیره جان مردم را به دست خودشان بکشد وبه کام متعفن کلان سرمایه داران وبزرگ مالکان بریزد. اما خمینی وپیروان وی با اسلام، واسلام شیادانه نمی توانستند توده ها را دردام افسون خود نگهدارند. امروز آنها از جبهه های جنگ تا کارخانه ها وروستاها تا دانشگاهها با مخالفت ومقابله مردم روبرو هستند. چنگال پولادین کارگران ودهقانان ودیگر رنجبران وروشنفکران انقلابی ومردم آزاده دامن خون آلود حکومت خمینی را گرفته وهرچه محکمتر درباتلاق بحران فرو می کشانند.

تشدید تضادهای درونی رژیم رکن دیگر بحران آن است. این تضادها با کشاکشها وتنش هایی که درجریان برکناری بازرگان وبنی صدر وقوع یافت متفاوت است. مساله این است که این بار اصحاب تقدیس شده امام به جان هم افتادند وچنان شکافی در "آستانه حکومت" پدید آمده که تا خود "بیت امام" وتا پای منبرایشان درجماران امتداد می یابد.

تضادها ودسته بندیهای درون حکومت بیانگر وجود جناح یا دسته بندی مترقی ونیک اندیشی از حکومتیان نیست، همه هیات حاکمه، خمینی وهمه دستگاه خلافت وی ارتجاعی، ضدمردمی وضدبشری است. درعین حال این مساله که رژیم ارتجاعی است نافی وجود وتشدید کشاکشها نیست ونمی تواند باشد.

درطول سال گذشته، بویژه درشش ماه دوم آن سران جمهوری اسلامی ناچار شدند خود به بحران درونی رژیم اذعان کنند وبه سنگرگیری علنی علیه یکدیگر بپردازند. حتی دوقلوهای خانه زاد امام، رفسنجانی وخامنه ای نیز محتویات پستوهای گندگرفته حزب حاکم را آفتابی کردند، تا آنجا که رفسنجانی آشکارا گفت که دوحزب دریک حزب جمع شدند واذعان کرد که چنین پدیده ای نمی تواند دوام یابد.

به موازات تشدید این تضادها تشدید تلاشهای حکومتیان برای انجام سازشهای جدید جریان دارد. خمینی، خامنه ای ورفسنجانی طی سال گذشته نیز پرچمدار این تلاشها بودند. رفسنجانی در "پاسخ به ۳۲ سوال" (اطلاعات ۲۶ بهمن ۶۳) سازش جدید میان سران دسته های مرتجع را اعلان کرد وگفت: هردوطرف از مواضع خود کنار آمدند.

کنار آمدن این دسته ها مساله تازه ای نیست. آنها هربار، برای رویارویی با مردم سرمواضعی بسیار ارتجاعی با هم کنار آمده اند. اما باز هم به جان هم افتادند وباز هم حکومتشان با تضادها وکشاکشهای تازه واغلب شدیدتری روبرو گردید. تضاد میان حکومتیان تنها بین دودسته مشخص وبرسر یک مساله واحد وثابت نیست که بتوانند آنرا یکبار برای همیشه حل کنند. بین حکومتیان تضادهای متعددی وجود دارد. تضاد میان دسته بندیها درراس حکومت، تضاد بین پایینی های حکومت با بالایی ها، تضاد بین مرتجعین واپسگرا ومصلحت اندیشانی که می خواهند مطابق نیازهای امروزی سرمایه داری وابسته اوضاع را روبراه کنند وغیره از این زمره اند. این تضادها هم درنتیجه وابستگی حکومتیان به اقشار ارتجاعی مختلف بروز می کنند وهم برسر قدرت وموقعیت وامتیازات حکومتی.

اختلاف برسر مسایلی مثل نقش وسهم بخش دولتی وتجارت بزرگ دراقتصاد ومساله جانشینی خمینی که امروز مساله مرکزی در "مجلس خبرگان" است از این زمره اند.

چه درحکومت وچه دراپوزیسیون ترقیخواه نیروهایی هستند که فکر می کنند تضادهای درونی ارتجاع مساله ایست فرعی وبی اهمیت وارتجاع برپایه منافع مشترک خود حتما به آن نقطه پایان می گذارد. برای حکومتیان اینگونه آرزوها بسیار معمول وطبیعی است. اما نیروهای انقلابی ومردمی اگر به تضادهای درون رژیم بهاء لازم را ندهند وتنها امکان سازش میان دسته بندیهای ارتجاع را درنظر بگیرند مرتکب خطایی جدی می شوند.

شک نیست که می توان بین دسته بندیهای ارتجاع بد وبدتر تشخیص داد. اما آنچه توجه به تضادهای درونی هیات حاکمه را بسیار ضروری می کند همانا لزوم تشخیص وضعیت وموقعیت مجموع ارتجاع حاکم، لزوم ارزیابی دقیق از نیرو وتوان دشمن وامکانات خودمان ولزوم تشخیص ضعیف ترین حلقه ها برای آسیب زدن به دشمن وگسترش تعرض انقلابی است.

تاثیر متقابل جنبش انقلابی برتضادهای درون رژیم وبالعکس مساله مهم دیگری است. بارشد جنبش انقلابی مبارزه درارتش وسپاه وبسیج وحلقه های پایینی بسیاری دیگر از نهادهای حکومتی گسترش می یابد. حلقه هایی از نهادهای حکومتی که با مردم درتماس هستند زیرتاثیر مبارزات قرار می گیرند ومی توانند منشا فشارهای سنگین بر رژیم شوند. نمونه مشخص تاثیر مبارزه مردم درتشدید کشاکشهای رژیم را می توان درعزل توکلی، عسگراولادی ولاجوردی توسط ارتجاع حاکم دید. ارتجاع زمانی آنها را برکنار کرد که خود بیش از همیشه به آنها نیاز داشت. برکناری آنها زیرفشار مردم با کشاکشهای تند وطولانی درهیات حاکمه همراه بوده است. تضعیف رژیم درنتیجه پیکار توده ها وتضعیف قدرت ونفوذ خمینی باز هم شرایط را به سود تشدید کشاکشهای درونی رژیم فراهم می کند. همانطورکه درسالهای اخیر مشاهده کردیم رژیم می تواند برای مقابله با مردم موقتا درگیریهای درونی خود را به پس پرده بکشد. اما هرگز نمی تواند با فرمان ونصیحت این مسایل را حل کند. ارتجاع زیرتاثیر جنبش انقلابی از یکسو می کوشد با تکیه برمنافع مشترک خود متحد عمل کند، تضادها وضعف های خود را پنهان سازد ودرنهان مسایل را حل کند. از سوی دیگر دسته بندیهای هیات حاکمه که یکدیگر را مقصر وهریک خود را "برحق" می دانند فراموش نمی کنند که از "حساسیت لحظه" نیز تنها به سود خود بهره برند، همه "انعطاف" را نصیب رقیب وهمه "قاطعیت" را بهره خود گردانند وبا استفاده از روانشناسی هراس از توده ها طرف مقابل را درکوتاه ترین زمان مرعوب وتسلیم کنند. علاوه براین هریک از دسته بندیها به شکلی می کوشد تا توده ها را به سود خود فریب دهد. دراین راستا کاملا مشاهده می شود که هریک از آنها می خواهد طرف مقابل را عامل وآماج اعتراض توده ها معرفی کند. حتی تا جایی که ممکن باشد تلاش می کنند طوری سخن بگویند که بیشترین توهم درذهن مردم پدید آید ومقاصد اصلی شان درپرده پنهان بماند.

دراینجا باید پاسخ دهیم که دوشکل عمده واکنش رژیم خمینی درمقابل توده ها ـ تلاش برای اتحاد وگرایش به تفرقه ـ چگونه درکنار یکدیگر جای می گیرند وترکیب می شوند تا آنجا که به پیروان راست ودروغ ولایت فقیه، یعنی همین هیات حاکمه فعلی برمی گردد آنها تاکنون اتحاد خود را درمقابل مردم حفظ کردند وتضادهایشان را درمحدوده حکومتشان نگهداشتند. اما کشاکشهای درونی آنها هرگز نه خاموش ونه تعدیل شد. طی دوسه سال اخیر وبطور مشخص درسال گذشته ما شاهد اوج گیری ها وآرامشهای متوالی بودیم. هربار درگیری بین دسته بندیها شدت می گیرد، ازپرده بیرون می افتد وبه اوج می رسد، آنگاه مجموع هیات حاکمه گام دیگری درراه خیانت به خلق برمی دارد. سپس با پادرمیانی "امام" وبخاطر "حفظ حکومت اسلامی" وبرپایه توسعه وتحکیم ارتجاعی ترین مواضع دعواها به پس پرده کشیده میشود. پس ازمدتی "آرامش" ظاهری دوباره حرکتی مثل قبل اما این بار شدیدتر آغاز می شود. دراوضاع کنونی این تپش قلب بیمار رژیم هرچقدر پایان عمر "امام" نزدیکتر می شود تندتر می گردد.

تشدید تضادهای درونی رژیم به نوبه خود توان رویارویی آن با جنبش انقلابی را کاهش می دهد ومی فرساید وشرایط را برای گسترش بیش ازپیش مبارزه مردم هموار می سازد. اگر رژیم برای مقابله با مردم به اتحاد نیازمند است، مردم نیز درمقابله با رژیم خواهان تفرقه وتشتت هرچه بیشتر آن هستند تا امکان نفوذ درهمه نهادها وصفوف دشمن افزایش یابد وامکان بهره وری نیروهای انقلابی از امکانات پیش بینی نشده بسیار بیشتر گردد.

بحران اقتصادی وجهی دیگر از بحران همه سویه رژیم است. این بحران دربودجه تنظیمی دولت برای سال ۶۴ بطور کامل منعکس است. نزدیک به ۴۵ درصد این بودجه به هزینه جنگ واداره نیروهای مسلح اختصاص یافته است درحالیکه سهم صنعت وکشاورزی بسیار ناچیز است واز هزینه های عمرانی باز هم کاسته شد. رژیم برای جبران کسر بودجه فشار بر زحمتکشان را تشدید می کند وبا چاپ بی رویه اسکناس تورم را باز هم بیشتر دامن می زند. تورم وگرانی فشار خردکننده ای بر زحمتکشان وارد می آورد. هرروز توان خرید آنها کمتر می شود ورفع نیازهای روزمره زندگی برایشان دشوارتر می گردد. رکود بازار نفت، کاهش صدور نفت، هزینه های نجومی جنگ وتنش ناشی از گسترش آن به خلیج فارس بحران اقتصادی را عمیق وتوان رژیم برای تعدیل آنرا به شدت کاهش می دهد. ضعف بنیه مالی وته کشیدن ذخایر ارزی رژیم را درتنگنا قرار داده است. این مساله درکاهش واردات ماههای اخیر به میزان ۳۰ درصد نسبت به سال گذشته منعکس شده است.

اوضاع اقتصادی وسیاسی کشور بریکدیگر تاثیر می کنند ودرنتیجه این تاثیر متقابل بحران درعرصه های مختلف تشدید می شود. اگر با یک حساب تقریبی درطول سال گذشته حدود ده درصد از قدرت خرید مردم کاسته شد این فشار به همان نسبت به تشدید اعتراض ومبارزه مردم علیه رژیم کمک کرد وبعد سیاسی یافت. از سوی دیگر درحالیکه رژیم می خواهد همچنان جنگ را ادامه دهد ناچار است تاوان آنرا دراقتصاد نیز پس بدهد وبا اختصاص ۴۵ درصد بودجه به جنگ، خود به فشردن حلقوم خویش بپردازد.

تشدید تضاد روبنای سیاسی وزیربنای اقتصادی عامل بحران زای دیگری است که باید توجه جدی به آن شود. "ولایت فقیه" ودستگاه وبارگاه خلافت خمینی تجسم یک نظام سیاسی قرون وسطایی وبسیار بدوی است. نه "امامت" وخلافت وحکومت روحانیون، نه حکومت متکی برفرق مذهبی ونه احیاء وسلطه قوانین وسنن سیاسی، اقتصادی، فضایی وفرهنگی مربوط به دوران عباسیان وعثمانیان وعهدعتیق با منطق رشد وتکامل سرمایه داری سازگار نیست ونخواهد بود. سرمایه داری از همان آغاز پیدایش به تغییر این امور پرداخت وابتکار جدا کردن دین از دولت وروحانیت از حکومت از آن اوست. آیا سرمایه داری درایران با منطق دیگری رشد می کند؟! آیا می تواند با گرایشهای عقیدتی وسیاسی روحانیت پیرو "ولایت فقیه" انطباق یابد؟ پاسخ منفی است. بویژه سرمایه داری وابسته ایران، دراین سطح از رشد وتکامل آن "ولایت فقیه" را نامناسب ترین شکل سیاسی درمقابل خود می بیند.

یکی از مهم ترین تضادها وتناقضات رژیم کنونی همین است که روحانیت حاکم به رهبری خمینی از یکسو با تمام قوا برای اجرای تمام وکمال "اصول ولایت فقیه" ومذهبی کردن جامعه با الگوهای متروک قرون وسطایی می کوشد وحتی درصدد است از نظر اقتصادی نیز جامعه را به دورانهای بدوی تر بازگرداند واز سوی دیگر زیرعبای همین روحانیت سرمایه داری وابسته با همه مشخصات آن بازسازی وگسترش می یابد. این مصداق عینی مثال ملاست که وارونه برخرنشسته بود وهم رو به خانه داشت وهم از آن دور ودورتر می شد.

درجریان تاثیر وتقابل نظم سیاسی "ولایتی" ونظام اقتصادی سرمایه داری وابسته هریک درمقابل آن یک ناچار به تنگناهای متعددی می افتد. تلاشهای سران رژیم برای اینکه این دوپدیده را زیرعلم "جامعه اسلامی" ترکیب کنند بسیار عبث ومسخره است. آنچه بعنوان "الگوی اسلامی" از سوی اینان ارایه می شود درواقع نمایش تمام عیار همان التقاط وحالت بحرانی ناشی از ترکیب این دوجنس متضاد است. خصوصا باید توجه کرد که "ولایت فقیه" از نظر محتوای اقتصادی به گذشته ها وحتی به گذشته های خیلی دور نظر دارد ودرعمل نیز پیروان متعصب ولی فقیه وشخص خمینی برای احیاء مناسبات ارباب ورعیتی ومناسباتی از آن عقب مانده تر تلاش می کنند. چنین تلاش درعین بازسازی

سرمایه‌داری وابسته توسط آنها تناقضات شدید و حالات بحرانی جدی پدید می‌آورد. درگیری حکومتیان بر سر نقش و سهم کلان تاجران و بزرگ مالکان در اقتصاد و چگونگی بازسازی سرمایه‌داری، کشاکش آنها بر سر چگونگی اداره بانکها و اخذ مالیات، مساله "تخمس" و "مکتب"، "مساله دانشگاه و فیضیه"، مساله کار زنان، مساله قضا و غیره از این زمره‌اند. بررسی روندهای گذشته نشان می‌دهد که "ولایت فقیه" گام به گام به برداشتن موانع از سر راه رشد سرمایه‌داری وابسته پرداخته است. اما همین روندها در عین حال اثبات می‌کنند که حکومت خمینی از نظر شکل سیاسی گام به گام بیشتر با الگوی "ولایت فقیه" انطباق یافت. در طول سالهای پس از انقلاب روحانیون قدرت سیاسی را به شکل مطلوب خود سازمان داده‌اند و امروز بیش از هر زمانی خود را بر خر مراد سوار می‌بینند.

در چنین شرایطی که از یک سو سرمایه‌داری وابسته بهترین موقعیت را نسبت به همه سالهای پس از انقلاب کسب کرده و بیشترین امکان را برای رشد در اختیار گرفته است و از سوی دیگر روحانیون همه قدرت سیاسی را قبضه کرده و بیش از همیشه به الگوی "ولایت فقیه" نزدیک شده‌اند، می‌توان شدیدترین تضاد را بین این روبنای سیاسی و محتوای اقتصادی جمهوری اسلامی مشاهده کرد. تضادی که نمی‌تواند آبستن کشاکش و دگرگونی در سمت سازماندهی روبنا مطابق با نیازهای زیربنا نباشد.

بود و نبود خمینی مساله‌ای است که چه در وضعیت عمومی رژیم و چه در سیر رویدادهای جاری بسیار موثر است و باید به دقت بررسی شود. خمینی سالخورده و بیمار است. اینکه وی به مرگ طبیعی درگذرد مساله‌ای است که مدام امکان آن بیشتر می‌شود. هم اطلاعات پزشکی و هم کنش و واکنش‌های درون مجلس خبرگان و دیگر مراکز قدرت در این جهت دلایلی به دست می‌دهد. گرچه کسی نمی‌تواند برای روز مرگ خمینی تاریخ تعیین کند، اما باید حساب کنیم که دیر یا زود او خواهد مرد و باید از همین امروز خود را تا سر حد ممکن برای رویارویی با شرایط پس از خمینی آماده کنیم.

برخورد صحیح با مجموع مسایل فوق نخست بدان نیاز دارد که ما شناختی واقعی از توان و تاثیر خمینی در حکومت داشته باشیم. امروز خمینی همه جمهوری اسلامی نیست و توان و تاثیر او در حکومت نسبت به گذشته کاهش یافته است. اما وی همچنان از دیگر سران رژیم نیرومندتر و از همه آنها بسیار موثرتر است. در واقع تاثیر خمینی در حرکت و سرنوشت رژیم، به دلایل مختلف، بخصوص به دلیل موقعیت منحصر بفردی که وی در جریان براندازی رژیم شاه و بنیانگذاری جمهوری اسلامی کسب کرده است بکلی با دیگر افراد جمهوری اسلامی متفاوت است.

خمینی در پناه پیکار توده‌ها به ریاست رسید و هنوز هم تا حدی از موقعیت آن روز خود برای حفظ ریاست امروز خود استفاده می‌کند. اما کسانی که در پناه خمینی امروز، خمینی خونریز و دشمن مردم، به کرسیهای ریاست چنگ انداخته‌اند با کدام ریسمان می‌توانستند خودشان را به مردم و به تاریخ انقلاب ببندند؟

تاثیر خمینی بعنوان عامل سازش دهنده و متحدکننده روحانیون حاکم امروز نیز بسیار زیاد است. طی سالهای اخیر موارد زیادی پیش آمده است که اگر خمینی وجود نمی‌داشت کشاکشهای درون هیات حاکمه رژیم را به سوی تلاشی می‌کشاندند. نقش خمینی در هماهنگ کردن گام به گام همه دسته‌بندیهای حکومتی با سمت‌گیری ارتجاعی رژیم، نقش وی در سوء استفاده تا سر حد ممکن از ناآگاهی و اعتماد کورکورانه برخی از نیروهای مردم، امکانات وی بعنوان "امام" برای مهار دیگر مراجع و معامله و زد و بند با آنها بکلی بی‌بدیل است. بنابراین ما بطور قطع می‌توانیم بگوییم که جمهوری اسلامی با مرگ خمینی رهبر موثرترین و تواناترین مدافع خود را از دست می‌دهد، بطور جدی تضعیف می‌شود و عوامل نیرومند تازه‌ای برای از هم گسیختگی آن وارد میدان می‌شوند. مرگ خمینی مرگ رژیم را نزدیکتر می‌کند. حداکثر آن است که "رویدادهای پس از مرگ وی به فرا روییدن موقعیت انقلابی بیانجامد و حداقل آنکه بحران موجود رژیم شدت بیشتری بگیرد و مجموع شرایط مرحله جدیدی از تعرض انقلابی علیه رژیم حاکم را پیش روی ما بگذارد.

برخی مسایل مورد تاکید در سیر تکوین اوضاع

بحران رژیم به دلیل مجموع مسایلی که شمردیم در چشم انداز بلافصل رو به گسترش دارد. این امکان منتفی نیست که در برخی عرصه‌ها افت موقت پیش آید، اما روندهای جاری امکان تخفیف کل بحران را نفی می‌کنند. امروز نمی‌توان گفت که همین بحران در فلان لحظه معین مساله واژگونی رژیم و انتقال قدرت سیاسی را پیش می‌آورد. اما قطعی است که تداوم و تشدید این بحران رژیم استبدادی و ارتجاعی را بگونه‌ای شتابگیر ناتوان و فرسوده می‌کند و به سوی نابودی می‌کشاند. پس امکان مطرح شدن مساله انتقال قدرت سیاسی در همین روند می‌تواند یک امکان جدی و واقعی باشد.

افزون بر این باید در ترسیم چشم انداز امکان وقوع رویدادهای پیش بینی نشده‌ای را محاسبه کنیم که رشد جنبش انقلابی، تلاشهای اپوزیسیون ارتجاعی و لیبرال و نیز مرگ خمینی زمینه‌های جدی برای آن فراهم می‌سازد. این رویدادها در مجموع به سود نزدیکتر شدن لحظه تعیین سرنوشت اثر می‌گذارند.

جنبش توده‌ای که فشار اصلی را بر رژیم وارد می‌آورد و شالوده قدرت و امید نیروهای انقلابی است، به گواه همه رویدادهای سال گذشته هم از نظر شمار رنجبران شرکت کننده در آن، هم از نظر سطح و میزان خواستها و هم از نظر اشکال و شیوه‌های مبارزه با شتاب گسترش می‌یابد.

در قطعنامه پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان ما گفته شد: "جنبش توده‌ای در وضعیت فعلی خصلت مطالباتی و اعتراضی دارد" در بند ۹ قطعنامه جنبش توده‌ای تاکید شد که "در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته‌ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است". این وضعیت فرخنده زمینه را برای گسترش تاثیر و نفوذ پیشاهنگ طبقه کارگر هموار می‌سازد.

پلنوم کمیته مرکزی ما به این واقعیت مهم توجه کرده است که جنبه سیاسی مبارزات توده‌ها نیرومند است و به سرعت رشد می‌یابد. در گزارش هیات سیاسی به پلنوم گفته شد: "این مبارزه گرچه پراکنده و عموما موضعی است، اما مشخصا با آگاهی سیاسی درآمیخته و دارای جهت‌گیری سیاسی معین در مخالفت با سمت‌گیری و سیاست رژیم است"

نباید تصور کرد که توده‌های کشور ما پس از طی یک دوران مبارزه اقتصادی و صنفی به آگاهی سیاسی دست می‌یابند و به مبارزه سیاسی روی می‌آورند. توده‌های کشور ما یک انقلاب را تجربه کرده‌اند. قلب توده‌های شرکت کننده در انقلاب هنوز هم ضربان "طبیعی" نیافته است. این توده‌ها شدیدا فکر سیاسی دارند و در یک محیط عمیقا سیاسی کار و زندگی می‌کنند. آنها کار و کارنامه رژیم را تنها در رابطه با این یا آن خواست اقتصادی محدود خود ارزیابی نمی‌کنند. آنها خواه ناخواه این رژیم را با رژیم منفور گذشته، با رژیم موعود خمینی در گرماگرم انقلاب، با آنچه که خودشان آرزوی آن را داشتند و با آرمان و آرزوهای امروز خود مقایسه می‌کنند و به نتایج سیاسی معین می‌رسند. مردم هر روز در کارخانه و اداره، در صفهای خرید، در بنگاههای خانه یابی، به هنگام جستجوی کار، در پشت درهای آهنین زندانها و در هزار جای دیگر مستقیما رژیم را به محاکمه می‌کشند. مردم حساب رژیم را از مسایل و مشکلات جزیی نیز جدا نمی‌کنند. بنابراین نه تنها در مبارزه اقتصادی توده‌ها عنصر رشد یابنده سیاسی قویا وجود دارد، نه تنها در رابطه با مسایلی مثل جنگ، گرانی، ناامنی شغلی و اجتماعی و خفقان و خونریزی مردم صدای اعتراض خود را بلند می‌کنند بلکه امروز مشخصا گرایش به سازمانهای سیاسی اپوزیسیون در میان توده‌ها رو به رشد است. این روند در تداوم خود زمینه را برای تجهیز توده‌ها به رهبری سیاسی فراهم می‌سازد.

آیا روندهای فوق تضمین می‌کنند که مطلقا سازمانهای انقلابی در راس مبارزات مردم قرار گیرند؟ به این پرسش هرگز نمی‌توان به سادگی و با خوش خیالی پاسخ داد. تنها کافی نیست که توده‌ها علیه ارتجاع به نبرد برخیزند و خواهان برآوردن خواستهایشان بشوند. سازمانهای انقلابی نیز باید بتوانند قدم به قدم پیشاپیش توده‌ها برزمند و رزم توده‌ها را سازمان دهند و رهبری کنند. اگر پیشاهنگ انقلابی دیر بجنبد جریانهای راست و ارتجاعی می‌توانند آسیبهای جدی به جنبش بزنند و حتی رویدادها را به سود خود سمت دهند. پیشاهنگ انقلابی همین امروز باید با تمام امکانات در صحنه حاضر باشد و همین امروز خود را برای انجام وظایف فردا آماده کند. تاثیر بسیج پیشین توده‌ها توسط خمینی و روحانیت که پیامدهای آن هنوز از میان نرفته است ـ تلاشهای مسموم، تفرقه افکنانه و سرکوبگرانه رژیم علیه سازمانهای انقلابی، پراکندگی و ضعف نسبی سازمانهای انقلابی و مردمی و تاثیر فعالیت و تبلیغات اپوزیسیون ارتجاعی همه و همه در راه سازمانیابی توده‌ها و تجهیز آنان به رهبری انقلابی دشواریهایی پدید می‌آورد که باید به سرعت و با پیگیری بر آنها غلبه کنیم.

فعالیت اپوزیسیون سلطنت طلب و لیبرال بر بغرنجی اوضاع امروز و چشم انداز بلافصل می‌افزاید. هیچ نیروی انقلابی هشیاری نمی‌تواند اینطور حساب کند که قدرت سیاسی قطعا از رژیم حاکم به نیروهای مردمی منتقل می‌شود. باید حساب کنیم که اپوزیسیون ارتجاعی و راست با پشتیبانی امپریالیستها از امکاناتی برخوردار است و نیروهای ملی ـ دموکراتیک باید خنثی کردن تلاشهای آن را جزء تفکیک ناپذیری از پیکار خود برای کسب قدرت سیاسی محسوب کنند.

اکنون رهبری اپوزیسیون سلطنت طلب که بطور رسمی پسر شاه منفور در راس آن است و بختیار و امینی دو پای اصلی آن هستند در خارج از ایران است. امپریالیسم علیرغم کوشش برای سازش با جمهوری اسلامی و بازپس گیری مواضع خود از این طریق با دقت تمام شاهخواهان را یاری می‌رساند و آماده نگه می‌دارد. این دار و دسته تنها منتظر حوادث ننشسته‌اند. آنها برای دستیابی به قدرت سیاسی نقشه دارند و برای گسترش نفوذ و تحکیم موقعیت خود به تلاشهای همه جانبه‌ای دست می‌زنند. بویژه می‌کوشند از طریق مقایسه اوضاع کنونی کشور با اوضاع پیش از انقلاب و تاکید بر خونریزیها و تبهکاریهای خمینی مردم را به سود خود تحت تاثیر قرار دهند.

اپوزیسیون لیبرال که پایه عمده آن نهضت آزادی و همفکران بازرگان هستند و شمار زیادی از روحانیون ناراضی از جمله چند تن از "مراجع" با آن همراهی می‌کنند جبهه دیگری علیه رژیم گشوده است.

اکنون رهبری این جریان در داخل و چسبیده به رژیم است و در درون حکومت نیز نیرو دارند. امثال بنی صدر نیز در سلک همین اپوزیسیون هستند و به تاکتیکهای آن گرایش می‌یابند. مبارزه در راه افشاء و خنثی کردن لیبرالها نباید تحت الشعاع مبارزه با شاه‌پرستان قرار گیرد و باید حتما جای خود را داشته باشد. هریک از این دار و دسته‌ها امکانات خاص خود را دارند و به شیوه‌های خاصی برای تسخیر قدرت تلاش می‌کنند که باید جدا مورد توجه قرار گیرد.

همین امروز، هم سلطنت طلبان و هم لیبرالهای داخلی حساسیت لحظه را تشخیص داده و تلاشهای تازه‌ای را آغاز کرده‌اند. سلطنت طلبان جمع شدند و سوگند خوردند که حتما خودشان قدرت را به دست آورند و مشغول یک رشته تبلیغات سیاسی و تدارکات عملی تازه شدند. لیبرالها نیز هجوم تبلیغاتی علیه رژیم را آغاز کرده و مشغول تدارک وسیع زیر علم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری شدند.

* * * *

سازمانهای انقلابی و مردمی برای اینکه بتوانند هم امروز و هم فردا تحولات و حوادث پیش بینی نشده را به سود خود سمت دهند و قدرت سیاسی را از آن خود کنند، قبل از هر چیز باید با تمام توان به حل دو مساله بنیادین، یعنی تامین اتحاد سازمانهای انقلابی و مردمی و تامین پیوند ضرور آنها با جنبش بالفعل توده‌ها بپردازند. در غیر اینصورت نه تنها سرنوشت قدرت سیاسی آینده بطرز خطرناکی به دست حوادث سپرده می‌شود، بلکه تا حد خطرناکی نیز دست ارتجاع در بازی با این حوادث باز می‌ماند.

امپریالیسم و ارتجاع غالب و مغلوب عمده نیروی خود را در نقطه ستیز با اپوزیسیون مردمی متمرکز کرده‌اند. همه دار و دسته‌های مرتجع آنجا که سخن از پراکندن و نابود کردن نیروهای ترقیخواه است آرزو و تلاش همسویی دارند. بویژه باید توجه کرد که به نسبت حساسیت اوضاع تلاش امپریالیستها، سلطنت طلبان و اپوزیسیون لیبرال برای دامن زدن به تفرقه در بین نیروهای ترقیخواه و تضعیف حداکثر آنها به قصد جلوگیری از مطرح شدن یک آلترناتیو مردمی بسیار افزایش می‌یابد.

ما به اتکاء هزاران تجربه در جهان و در کشور خودمان می‌توانیم پیش بینی کنیم چنانچه تخت خلافت خمینی را جنبش انقلابی بلرزه درآورد و جبهه نیروهای خلق به صورت آلترناتیو قطعی رژیم به میدان کارزار پا نهد، ارتجاع غالب و مغلوب به کمک هزاران رشته طبیعی ناشی از منافع طبقاتی مشترکشان و با وساطت امپریالیستها، بطور آشکار یا نهان و دست کم در عمل قوای خود را علیه مردم متحد می‌کنند. امپریالیسم می‌کوشد از تشدید بحران درونی رژیم هم برای انطباق کامل آن با مواضع خود و هم برای جانشین کردن دوستان مطیع‌تر خود بهره گیرد. اما اگر معلوم شود برنده بحران و مرگ رژیم جمهوری اسلامی مردم ایران هستند قطعی است که حفظ رژیم حاکم به مهمترین مساله آمریکا و متحدینش تبدیل می‌شود. درحالیکه ارتجاع غالب و مغلوب آماده‌اند برای مقابله با ما اینگونه کنار بیایند ما برای مقابله با آنها هزار بار بیشتر باید بکوشیم تا در کنار هم قرار بگیریم.

امروز نه تنها نیروی متحد سازمانهای مترقی در خدمت هدف فوق نیست، بلکه بخش عظیمی از نیروی آنان صرف بدنام کردن و منزوی کردن یکدیگر و پراکندن تخم بدبینی و یاس در میان توده‌ها می‌شود. قطع بیدرنگ این فاجعه و آغاز بیدرنگ موثرترین کوششها برای گسترش اتحاد عمل در میان سازمانهای مردمی و متحد کردن آنها در یک جبهه توانا وظیفه سترگ اپوزیسیون مردمی برای گسترش امکانات خویش در سمت گرفتن قدرت سیاسی است.

وظیفه فوری جنبش انقلابی این است که مجموع نیروی بالفعل خود را گرد آورد و آماده نگه دارد، در هر لحظه چگونگی به میدان کشیدن این نیروها را دقیقا بسنجد و آماده باشد تا در حساس‌ترین لحظه حداکثر قوا را متحدانه به میدان بکشد و سرنوشت نبرد را به سود خود تعیین کند ☆☆

پیرامون اختلافات سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب دموکرات کردستان ایران

اخیرا در نشریات سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان مطالبی پیرامون بالا گرفتن برخی اختلافها بین طرفین درج شده است که بسیار مایه تاسف است. بویژه در شرایط حساس و بغرنج کنونی که در عین حال با حداکثر تلاش دشمنان برای ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای مردمی همراه است، چنین کشاکشی مسلما تاثیرات منفی به جای می گذارد. چرا که امروز دشمنان ما، هم ارتجاع غالب و هم ارتجاع مغلوب برای اینکه اوضاع را به سود خود سمت بدهند، بیش از هر زمان دیگر به تفرقه و گسترش عدم اعتماد بین نیروهای انقلابی امید بسته اند و به آن نیاز مند هستند. دشمنان ما حتی تلاش میکنند آگاهانه و طبق نقشه آتش اختلافات را دامن زنند و آنرا ز رفتر سازند. چرا که موجودیت خود را در برابر اتحاد نیروها با یکدیگر و مردم و نیز حمایت گسترده نیروهای صلح دوست و آزادیخواه جهان از آنان در خطر می بینند. ایده آل رژیم این است که نیروهای انقلابی را از یکدیگر جدا کند و آنان را جدا جدا آماج حمله قرار دهد.

موقعیت کنونی کشور، امپریالیسم را به فکر تدارک مقابله با چرخش اوضاع به سود نیروهای انقلاب انداخته است. امپریالیسم نهایت تلاش را می کند که اگر حکومت در خطر سقوط قرار گرفت، یک آلترناتیو دموکراتیک قدرت را به دست نگیرد. به جای ارتجاعی که سرنگون می شود، ارتجاع دیگری به قدرت دست یابد.

تجربه مبارزات مردم ما، تجربه بزرگ انقلاب بهمن می آموزد که از تفرقه بین نیروهای ملی و دموکراتیک جز امپریالیسم و ارتجاع سود نمی برند، جز مردم و کشور زیان نمی بینند. تفرقه نیروها و عدم اتحاد آنان در یک جبهه واحد به مرتجعین حاکم امکان داده راه شکست را به انقلاب تحمیل کنند و دستاوردهای آن را تاراج کنند. اکنون نیز اتحاد نیروها، تنها تضمین واقعی نجات مردم و کشور از عفریت جنگ، از چنگال خونین استبداد مذهبی و ارتجاع است.

پلنوم مهرماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان ما همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران را به گسترش همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه گسترده فرا می خواند. جبهه متحد خلق ضامن پیروزی خلق بر ارتجاع و امپریالیسم است. وظیفه و مسئولیت تاریخی نیروها حکم می کند که بر نقاط مشترک تکیه کنند و برای گسترش مناسبات سالم و سازنده و برقراری و تحکیم اتحاد بکوشند●

توطئه ها و تحریکات کومله در کردستان

در شرایطی که رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق با تمام نیرو کردستان را می کوبند و سرکوبگران رژیم، خون خلق کرد را می ریزند، افراد مسلح کومله در اوایل بهمن ماه در منطقه اورامان کردستان به پایگاههای حزب دمکرات کردستان ایران یورش برده و عده ای از دمکراتها را کشتند. در جریان این درگیری بنا به اعلامیه حزب دمکرات و کومله ده نفر از حزب دمکرات و ۱۲ نفر از کومله کشته شدند. ۹ نفر دیگر هم بعدا به دست افراد کومله تیرباران شدند.

بعد از این درگیری نمایندگان کومله در خارج از کشور اعلامیه ای صادر کرده و گفتند که "کمیته اورامان کومله مسئولیت شروع این نبرد را پذیرفته است" کومله برای توجیه این عمل خود می گوید یورش آنها به حزب دمکرات "جزیی از مبارزه پرولتاریای انقلابی کرد علیه بورژوازی کرد" است! روش کومله و عملیات نظامی آن علیه حزب دمکرات، آنهم در شرایطی که رژیم بیشترین تلاش را برای نابودی جنبش ملی خلق کرد می کند و امپریالیسم و ارتجاع با هزار دسیسه می کوشند به جنبش انقلابی ضربه آورند سمت و سوی تلاشهای آنرا نشان می دهد. سازمان ما علیرغم اختلاف نظرهایی که بین ما و حزب دمکرات وجود دارد، توطئه ها و تحریکات کومله در کردستان را محکوم می کند. برنامه اعلام شده کومله دشمنی کین توزانه و مذبوحانه با کمونیستهای ایران و تفرقه در جنبش ملی خلق کرد است. شک نیست که روشها و اقدامات کومله نیاز جدی امپریالیسم و ارتجاع را برآورده می کند و مسلما سود و منافع آنان را در بر دارد. امثال کومله در همه جای دنیا، پول پوتی های کامبوج و مائوئیستهای آنگولا و افغانستان مورد حمایت همه جانبه علنی و رسمی امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند. تلاشهای مذبوحانه و مسخره کومله تحت عنوان "حزب کمونیست" تنها می تواند به باتلاق رسوایی و خیانت راه برد. این گروه به همان اندازه که تلاش می کند مدال "پرولتری" به سینه بزند و خود را "پیشاهنگ" دفاع از حقوق ملی خلق کرد معرفی کند، بیشتر به رسوایی خویش دامن می زند●

پیروزی میهن پرستان و شکست صهیونیستها در لبنان

جنبش مقاومت ملی مردم لبنان بعد از ابطال قرارداد ننگین اسرائیل - لبنان و بیرون راندن تفنگداران دریایی آمریکا از خاک لبنان به موفقیتهای باز هم جدیدتری دست یافت. دولت صهیونیستی اسرائیل بر اثر نبردجانبازانه میهن پرستان لبنان مجبور شد نیروهای خود را از امتداد رود اولی و شهر صیدا عقب بکشد. به دنبال این عقب نشینی، کابینه دولت اسرائیل طرحی را تصویب نمود که به موجب آن خروج قوای تجاوزگر اسرائیل از دره بقاع شروع خواهد شد.

عقب نشینی محدود اسرائیل بار دیگر نشان داد که دولت ریگان و رژیم صهیونیستی با تجاوز به خاک لبنان و کشتار وسیع مردم بیگناه آن نتوانسته به اهداف خود برسند. مقاومت سرسختانه مردم لبنان علیه اشغالگران اسرائیلی و تاثیرات فاجعه بار جنگ بر وضع داخلی اسرائیل، ایستادگی دولت سوریه و حمایت بین المللی از میهن پرستان لبنان، صهیونیستها را مجبور به پذیرش شکست نمود. ولی در عین حال دولت تجاوزگر اسرائیل اعلام کرده است که هر موقع لازم بداند نیروهای نظامی خود را به خاک لبنان خواهد فرستاد. شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل گفته است که دولت اسرائیل مناطق همجوار اسرائیل در جنوب لبنان را کماکان بعنوان "منطقه امنیتی" خود تلقی نموده و تنها به واحدهای شبه نظامیان مزدور آن تا ان لحد اجازه خواهد داد که در این مناطق استقرار یابند. حزب کمونیست اسرائیل اعلام نمود با این تصمیم عملا نواری به عرض ۴۰ کیلومتر از خاک لبنان همچنان تحت کنترل ارتش اسرائیل و همدستان وی باقی خواهد ماند.

دولت صهیونیستی اسرائیل بعد از عقب نشینی از شهر صیدا بر تجاوزات و خونریزیهای خود علیه مردم لبنان افزوده است. اشغالگران مرتبا روستاهای جنوب لبنان را بمباران کرده و مردم بیگناه را وسیعا دستگیر و اعدام می کنند، با هلیکوپتر به ماشینهایی که در جاده ها در حرکت هستند حمله می کنند، به دهقانانی که در کشتزارها مشغول ند شلیک می کنند و با بمب گذاری در مساجد و کلیساها مردم بیگناه را به خاک و خون می کشند.

با وجود جنایات اسرائیل، میهن پرستان به پیکار جانبازانه خود ادامه می دهند تا نیروهای اشغالگر را به عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط از لبنان مجبور سازند●

صحنه سازیهای رسوای دیکتاتور پاکستان

ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان در اوایل اسفند ماه انتخابات فرمایشی برای تعیین نمایندگان مجلس ملی ترتیب داد و اسامی نمایندگان مورد نظر خود را از صندوقهای رای بیرون آورد. در چند ماه اخیر این دومین "انتخابات" کذایی دیکتاتور پاکستان است. در آذرماه گذشته ضیاء الحق مردم پاکستان را مجبور کرد که به سیاست دولت مبنی بر مذهبی کردن حیات اجتماعی رای بدهند و مردم رای ندادند. اما او رای لازم را از صندوقها بیرون کشیده و آنرا بمعنای تجدید اختیارات خود برای پنج ساله دیگر بعنوان رییس جمهوری به حساب آورد!

"انتخابات نمایندگان مجلس ملی" همانند انتخابات قبلی در شرایطی برگزار شد که رژیم ارتجاعی ضیاء الحق بسیاری از رهبران "جنبش احیاء دمکراسی" را بازداشت کرده و آنان را به پای میز محاکمه کشید و کنترل رای گیری را به دست ارتش و پلیس سپرد. این ارگانهای سرکوب به شیوه های مختلف کوشیدند مردم را وادار کنند که به افراد مورد نظر رای بدهند.

دیکتاتور پاکستان بعد از انتخابات مجلس ملی بطور یکجانبه تغییراتی را در قانون اساسی اعلام نمود که به موجب آن حیطه قدرت رییس جمهور فوق العاده افزایش یافته و در مقابل هیچ ارگانی پاسخگو نخواهد بود و هر موقع اراده کند می تواند باصطلاح "مجلس ملی" را منحل و انتخابات جدید برگزار کند.

"جنبش احیای دمکراسی" که هم اکنون یازده حزب در آن متحد شده اند هر دو رفراندوم را تحریم کرد. بلافاصله بعد از انتخابات اول تظاهرات اعتراضی وسیعی در لاهور انجام گرفت و به سراسر کشور گسترش یافت و بار دیگر پایه های حکومت نظامی را بلرزه درآورد. مردم پاکستان خواستار برکناری دیکتاتور سرسپرده آمریکا، و تامین آزادی و حقوق دموکراتیک خود هستند●

منتشر شد

مسائل انقلاب و مواضع ما ۳

متحد شویم!

به حاکمیت ارتجاع پایان دهیم

فرخ نگهدار
دبیر اول کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

موافقت نامه امان محکوم است

در بهمن ماه در امان پایتخت اردن موافقت نامه ای شرکت ملک حسین امضاء شد که مطابق آن باید کنفرانسی از نمایندگان کشورهای آمریکا، اسرائیل، مصر، اردن و فلسطین برای حل مساله فلسطین تشکیل گردد.

این موافقتنامه که در چارچوب طرح ریگان برای حل مسایل خاورمیانه و طرح تشکیل کنفدراسیونی از اردن و فلسطین تحت زعامت ملک حسین قرار دارد با استقبال آمریکا و دولتهای مرتجع عربی مواجه گشت. حسنی مبارک برای مقبول تر کردن موافقتنامه امان برای اسرائیل، پیشنهاد نمود که سازمان آزادیبخش فلسطین از شرکت مستقل در کنفرانس مذکور خودداری کرده و به تشکیل هیات مشترک اردنی - فلسطینی تن در دهد.

موافقت نامه امان در راستای اهداف امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه می باشد. دولت ریگان مدتهاست تلاش می کند که آرمان مقدس مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور مستقل را نابود کرده و به تفرقه و پراکندگی بین کشورهای عربی دامن زند و بر اساس طرح کمپ دیوید، کشورهای عربی را مجبور سازد که همانند مصر مذاکره جداگانه و سازش با اسرائیل تجاوزگر را بپذیرند. این موافقت نامه حق ایجاد کشور مستقل فلسطینی را پایمال کرده و بر موافقت نامه های شورای ملی فلسطین و قطعنامه های رهبران کشورهای عربی خط بطلان می کشد. موافقت نامه امان مذاکره جداگانه را دنبال کرده و عقب نشینی مشخص از طرح اصول تشکیل کنفرانس بین المللی برای حل مسایل اعراب و اسرائیل می باشد.

این موافقت نامه که با منافع خلق عرب و آرمان مردم فلسطین مغایرت دارد با اعتراض نیروهای انقلابی مواجه گشته است. نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی در گردهمایی خود در دمشق بیانیه ای صادر کرده و قاطعانه موافقت نامه امان را رد نموده اند و آنرا بعنوان "سند آمریکایی" قلمداد کرده اند.

نیروهای مترقی و انقلابی کشورهای عربی و جهان از انعقاد موافقت نامه امان عمیقا متاسف هستند و اعتقاد دارند که تنها با خروج سربازان اسرائیل از تمام سرزمینهای اشغالی اعراب و شناسایی حق مردم فلسطین برای تشکیل کشور مستقل، شرایط دستیابی به صلح عادلانه و پایدار در منطقه فراهم خواهد شد. برای رسیدن به این هدف قبل از هر چیز می بایست کنفرانس بین المللی متشکل از نمایندگان کشورهای ذینفع تشکیل گردد. انجام مذاکرات جداگانه، پشت پا زدن به منافع اعراب و مردم فلسطین و تحقق اهداف آمریکا و اسرائیل می باشد●

کار سازمانگرانه در شرایط کنونی بقیه از صفحه ۵

و ایجاد سازمانهای مستقل کارگران و سازمانهای دمکراتیک نقش شایسته ایفاء کرد. باید واحدهای مستقل از هر امکان فعالیت علنی که به سود جنبش انقلابی و سازمان باشد بهره گیرند. در مبارزات مردم بطور مستقیم و غیر مستقیم شرکت جویند. می توان و باید در تشکلهای موجود نفوذ کرد. این نفوذ می تواند با عضویت بلاواسطه اعضای واحد مستقل و یا پیشبرد شعارها و سیاستهای سازمان در این تشکلها انجام گیرد. واحدهای مستقل می توانند با شیوه های مختلف نظرات معینی را در این تشکلها طرح و پیش ببرند. برقراری تماس مستقیم و غیرمستقیم با فعالین این تشکلها و تغذیه مداوم آنها با اخبار، اطلاعات لازم، تلاش برای انتخاب عناصر صالح تر در ارگانهای رهبری آنها و اعمال فشار از پایین به رهبری تشکلها از جمله اقداماتی است که انجام آنها را واحدهای مستقل باید در دستور کار خود قرار دهند.

رفقای ما باید در همه تشکلهای توده ای صرفنظر از عملکرد آنها فعالانه شرکت کنند و بکوشند که این تشکلها را به عاملی موثر در مبارزات توده ها تبدیل کنند. رفقا می بایست به فراهم آوردن زمینه ها و ایجاد تشکلهای واقعی توده ها بویژه کارگران یاری رسانند تا نقص بزرگ جنبش توده ای که پراکندگی و عدم تشکل است رفع گردد.

* * * *

واحدهای مستقل می بایست اصول چهارگانه را فرا گیرند و در پراتیک انقلابی بکار بندند. تنها با کاربست این اصول سازمانی است که می توان تشکیلاتی مستحکم و منسجم بوجود آورد، از آسیب پذیری آن کاست و هرچه فعالانه تر به انجام وظایف انقلابی پرداخت.

در شماره های آینده "کار" هر یک از این اصول بطور مشخص تر و مشروح تر و بر متن فعالیت انقلابی جاری بررسی خواهد شد☆

پیام شادباش احزاب برادر

بقیه از صفحه ۱۲

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان آمده است:

ما حملات ننگین و جنایتکارانه به اعضای حزب توده ایران و سازمان شما و به همه دمکراتهای ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما می‌دانیم که مبارزه شما برای هدفی عادلانه است، برای ایرانی مستقل و متعهد به پیشرفت دمکراتیک اجتماعی.

امروز جنبش جهانی همبستگی با دمکراتهای ایرانی تحت پیگرد و یورش در جریان است. حزب کمونیست آلمان نیز جزیی از این جنبش است. در اکسیونهای بسیاری اعضای سازمان شما در کنار رفقای حزب کمونیست آلمان مبارزه کرده‌اند. بگذارید اینک تشکر خود را از این بابت ابراز داریم.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق آمده است:

کمونیستهای عراق به راهی که سازمان شما برای تامین خواستهای اساسی خلق ایران میپیماید با تقدیر و احترام می‌نگرند. و خرسندی خود را از نقش شجاعانه سازمان شما در مبارزه‌ای که دوشادوش با اپوزیسیون ملی و انقلابی و بیش از همه با حزب توده ایران پیش می‌برید و همچنین نسبت به فداکاریهای بسیار شما در راه اهداف ملی و دمکراتیک خلق ایران ابراز می‌دارند.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا) آمده است:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره چه در حال و چه در گذشته استواری و ایمان خلل ناپذیر خود را به آینده نشان داده است.

همچنین به نظر ما روند وحدت سازمان شما با حزب توده ایران بعنوان شرط ضرور برای پیشرفت مبارزه دمکراتیک، باعث تقویت مبارزه انقلابی در کشورتان شده و مآلا به سقوط رژیم جمهوری اسلامی شتاب می‌بخشد.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا آمده است:

به شما اطمینان می‌دهیم که وظایف همبستگی و همدردی خود را فراموش نکرده و به پیگیری خواستهایی چون: ابطال فوری احکام اعدام، متوقف کردن شکنجه، آزادی دستگیرشدگان و بطور کلی رفع فشار و اختناق که خلق شما متحمل است، ادامه می‌دهیم.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا آمده است:

ما تحولات ایران را از نزدیک دنبال کرده و نسبت به پیچیدگی مبارزات شما آگاهی کامل داریم. ما همچنین با آگاهی از همکاری بین سازمان شما و حزب توده ایران آرزومندیم که این همکاری ثمربخش بتواند اثرات باز هم بیشتری در رشد و توسعه جنبش توده‌ای میهن شما برای تغییرات سیاسی در ایران داشته باشد.

ما مایلیم که در آستانه پانزدهمین سال موجودیت شما بتوانیم همکاری خود را با شما بمنظور تلاش برای سرنگونی رژیم خونخوار ایران و همچنین مبارزه در کشور ما برای صلح و پیشرفتهای اجتماعی گسترش باز هم بیشتری بدهیم.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی آمده است:

حزب کمونیست افریقای جنوبی صمیمانه‌ترین درودهای انقلابی خود را به جشن شما به مناسبت چهاردهمین سالگرد حیات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تقدیم میدارد. سازمان شما در کنار متحد خویش حزب توده ایران در مقطع کنونی مسئولیت سنگینی را در متشکل کردن توده‌های مردم ایران در دفاع از دستاوردهای انقلاب ۱۹۷۹ که با فداکاری بسیار ببار آمد، بر دوش دارد. تاریخ پرافتخار مبارزات گذشته شما برای ما هیچگونه تردیدی در شجاعت، ایثار و پایبندی شما نسبت به آماجهای استقلال ملی، سوسیالیسم و آزادی باقی نمی‌گذارد. منافع کارگران و دهقانان ایرانی که اکثریت مطلق جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، در دستهای پرتوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران با امانت حفظ می‌گردد.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین آمده است:

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین، درودهای انقلابی خود را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر چهاردهمین سالگرد بنیانگذاریش ابراز می‌دارد. حزب کمونیست فیلیپین از نقش خطیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه قهرمانانه مردم ایران اطلاع دارد.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) آمده است:

برگزاری این سالگرد در زمانی صورت میگیرد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حقوق دمکراتیک مردم را زیرپا گذاشته و محکومیتهای وحشیانه‌ای را به نام قوانین اسلام بر مردم روا داشته و حقوق انسانی زنان را منکر می‌شوند، در راس همه این اقدامات رژیم مستبد تهاجم وحشیانه‌ای را بر علیه نیروهای چپ سازمان داده است.

در پیام دبیرخانه مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان آمده است:

خلقهای جهان در راه استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و بر علیه ستم و استثمار بصورت یکپارچه و متحد مبارزه می‌کنند. همه ما در سراسر جهان بخاطر آرمان مشترک، برقراری جامعه بی‌طبقه، آزادی و عدالت در جامعه انسانی مبارزه میکنیم. ما در اقصی نقاط جهان در جهت این هدف گام بر می‌داریم، از این رو مبارزه شما، مبارزه ما، و موفقیت و شکست شما، موفقیت و شکست ما تلقی می‌گردد. به همین سان موفقیت و شکست ما، موفقیت و شکست شما نیز می‌باشد. در این روز تاریخی، من از طرف حزب سوسیالیست انقلابی، همبستگی خود را با شما و رزم انقلابی تان ابراز می‌دارم.

در پیام هیئت اجرائی جبهه خلق بحرین آمده است:

رفقای عزیز، توده‌های مردم ایران که از طریق انقلاب توده‌ای خود قویترین رژیم منطقه را معجزه‌وار برانداختند تجربه زنده‌ای برای ملت‌های عرب ارائه کردند و خدمت بزرگی به خلقهای منطقه نمودند زیرا که با این انقلاب ژاندارم بزرگ امپریالیسم در منطقه برافتاد.

اما امروز در نگاهی به تحولات ایران، در کمال تاسف دیده می‌شود که رهبری رژیم از راه انقلاب منحرف شده و علیه نیروهای سیاسی پیشروی ایران که در سالهای سیاه دیکتاتوری فداکاری‌های زیادی کرده بودند و نقش بزرگی در بسیج مردم و برانداختن رژیم شاه داشتند، شمشیر کشیده است.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ترکیه آمده است:

رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی نیز مانند رژیم فاشیستی ترکیه، از پراکندگی میان نیروهای کمونیست و انقلابی و دمکرات، و عدم وجود یک آلترناتیو سازمان یافته و قوی، بهره‌مند می‌شود. ما از پیکار سازمان شما در پایان دادن به این پراکندگی که به نفع طبقه کارگر و خلق ایران نیست، پشتیبانی می‌کنیم. در این راه همکاری و فعالیت متحدانه و مشترک شما و حزب توده ایران را یک گام مثبت و مهم دانسته و تبریک می‌گوییم.

ارتجاع بر ضد دانشگاه

ناتوانی و درماندگی رژیم خمینی در پیشبرد سیاستها و اقدامات تبهکارانه‌اش در دانشگاه و کشمکشهای جدی دسته‌بندیهای حکومتی از یکسو و رشد مبارزات دانشجویان از سوی دیگر بیانگر وضعیت کنونی دانشگاههاست.

ارتجاع که با یورش به دانشگاههای کشور قصد داشت این سنگر پرافتخار آزادگی و ترقیخواهی را برای همیشه درهم کوبیده و حیات سیاسی، آموزشی و اداری دانشگاه را در قبضه خود بگیرد، در عمل جز جنایت و تخریب در دانشگاه و سیستم آموزشی قادر به کار دیگری نشد. آنچه که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" انجام گرفت، چیزی جز دشمنی کینه‌توزانه جهل برخاسته از گورستان قرون وسطی علیه روشن بینی و حقیقت، علم و فرهنگ و اندیشه مترقی نتوانست باشد.

اینک نیز سردمداران رژیم علیرغم اینکه در برابر ضروریات ناگزیر فعالیت دانشگاهی و مبارزه گسترش یابنده علیه سیاستهای ارتجاعیشان چاره‌ای جز تن دادن به راه‌حلهای "غیرمکتبی" لیبرالهای ریش و تسبیح داردرون حکومت ندارند، همچنان تقلا می‌کنند تا دانشگاه را در تنگ حجره "حوزه‌های علمیه" محبوس سازند. ارتجاع حفظ موقعیتش در دانشگاه را یک پای سیطره خویش می‌داند.

نگاهی به کشمکشهای رژیم بر سر دانشگاه طی ماههای گذشته، نمایانگر شدت تناقضاتی است که سردمداران ارتجاع برای پیشبرد مقاصد خویش در دانشگاه با آن روبرو هستند.

نخست وزیر در کنگره سراسری دانشجویان انجمنهای اسلامی (اطلاعات ۱۲ آبان) در برابر این سئوال که "چرا وزیر علوم گفته است نماینده‌های امام در انقلاب فرهنگی قانونی نیستند." پاسخ می‌دهد" این از اختلافات میان ارگانهای سنتی و جدید است"، نماینده منتظری در همین زمینه می‌گوید" عده‌ای می‌خواهند به جرم مخالفت ستاد با تخصص آنرا به کناری بزنند" (اطلاعات ۲۸ آذر) و کنگره و اجتماعات متعدد دانشجویان انجمنهای اسلامی نیز پی در پی و با دلهره پیرامون "رجعت دانشگاه به وضعیت سابق" هشدار می‌دهند. بیستم آذر شخص خمینی را به حمایت "ستاد انقلاب فرهنگی" برخاسته و ضمن هشدار که "کسانی خواب رژیم سابق را می‌بینند" و" خط انحرافی می‌خواهد نفوذ کند"، ستاد را با مسئولین سه قوه و تعدادی دیگر از مسئولین طراز اول رژیم پر کرد. در نتیجه این اقدام "ستاد" به چیز دیگری بنام "شورای انقلاب فرهنگی" که فقط به دانشگاهها هم مختص نمی‌شود بدل شده و در عمل از صحنه دانشگاه دور می‌شود. لیکن اقدام خمینی هم قادر نشده است مخمصه "انقلاب فرهنگی" را به نفع ارتجاع چاره کند. اجتماعات و سمینارهای متعددی که با شرکت نماینده منتظری، فقها، دست اندرکاران انقلاب فرهنگی و دانشجویان انجمنهای اسلامی تشکیل می‌گردد، همچنان با صدور بیانیه‌هایی هرچه تندتر و هشدارهای مکرر، نیروهای خود را به بسیج در برابر حرکات موجود فرا می‌خوانند. آنان در اجتماع اخیر خود (۱۴ اسفند) در مسجد دانشگاه تهران با زتکرار می‌کنند" ما اعلام می‌کنیم که روند دانشگاه بگونه‌ای است که نه تنها همسو و همپای انقلاب اسلامی نیست بلکه خطر رجعت دانشگاه به زمان سابق همچنان وجود دارد."

حقیقت آن است که روحانیون حاکم هرچه بالا و پایین می‌روند می‌بینند که چیزی به نام دانشگاه بسیار بزرگتر از آن است که در حجره تنگ افکار و آرزوهای آنان جا بگیرد. اینان که "علم" شان برای درک طب ابوعلی سینا و کشفیات رازی و خوارزمی هم قاصر است و هنوز هم فکر می‌کنند که فلان مکسر روستایی ممکن است شب بخوابد و صبح به کمک نیروهای غیبی سیستم جدیدی از توپهای دورزن را "اختراع" کند، وقتی بخواهند درباره "سیستم آموزش دانشگاهی" حرف بزنند و اقعا فقط خودشان را مسخره می‌کنند. آنها در هیچ کجا به اندازه دانشگاه خودشان را غریبه و بی کس و بی ریشه احساس نمی‌کنند. هم از این روست که هرچند حکام جمهوری اسلامی علیرغم ۵ سال تبهکاری و ویرانگری، از پیشبرد مقاصد ارتجاعی‌شان در دانشگاه به سختی درمانده و شکست خورده‌اند، با زهم از نا جعه آفرینی های دیگر فروگذار نمی‌کنند و همچنان توطئه‌های تعطیل و نابودی دانشگاهها را در سر می‌پرورانند. از سوی دیگر آنچه در ورای کشمکشهای جاری بر سر "انقلاب فرهنگی" یا "تخصص و مکتب" و "خطر رجعت دانشگاه به زمان سابق" ارتجاع را به هراس انداخته است، رشد مبارزه دانشجویی است. اعتراض و مبارزه دانشجویان و دانشگاهیان ترقیخواه علیه سیاستها و اقدامات ارتجاع رژیم را زیر فشار قرار می‌دهد. مبارزات دانشجویی علیرغم سرکوب و اختناق سیاه، به صورتی هرچند پراکنده و شکل نگرفته، جریان یافته و به پیش می‌رود. بی اعتباری هر روز بیشتر رژیم در میان مردم و رشد مبارزه توده‌ای بازتاب خود را در دانشگاه نشان می‌دهد. تاثیر فعالیت انقلابی و تبلیغات سیاسی سازمانهای انقلابی در دانشگاهها آرامش محیط در کنترل و سیطره ارگانهای ارتجاع را درهم می‌شکند.

در چنین شرایطی شناخت روندها و درگیریهای رژیم در موضوع دانشگاه جهت افشاگری موثرتر و بسیج هرچه بیشتر نیرو برای مقابله با توطئه‌های رژیم علیه دانشگاه نقشی مهم دارد. بعلاوه شرایط بحرانی کشور ضرورت و اهمیت فعال شدن به مراتب بیشتر نیروهای پیشگام و آگاه دانشجویی را در راه تجدید قوای هرچه سریعتر جنبش دانشجویی و شرکت موثر آن در مبارزه انقلابی مردم میهن ما بیش از پیش نشان می‌دهد.

تلاش در جهت ایجاد و گسترش حرکتهای اعتراضی توده دانشجویان حول خواستهای صنفی و سیاسی همگانی، همچنان زمینه عمومی فعالیت دانشجویی است، در این رابطه فعالیت و راه‌جوییهای دانشجویان با تجربه برای ایجاد و پیشبرد حرکات صنفی و سیاسی و پایه‌ریزی تشکلهای دانشجویی در عرصه‌های مختلف امری ضروری و بسیار مهم است. افشاگری سیاستهای ارتجاع حاکم در بین توده دانشجویان، مبارزه علیه اختناق و خفقان حاکم بر دانشگاهها و ایضا افشاگری و اعتراض علیه سیاستهای ضد دموکراتیک، ضد مردمی و ضد ملی رژیم در جامعه، محور و جهت اصلی مبارزه دانشجویان انقلابی را تشکیل می‌دهد. پشتیبانی از مبارزات توده های کارگر و زحمتکش و دیگر اقشار جامعه علیه ارتجاع حاکم و بازتاب هرچه گسترده‌تر آن در سطح جامعه وظیفه تعطیل ناپذیر دانشجویان برای پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌هاست ●

از نبرد فدائیان خلق

تبلیغات انقلابی سازمان علیه حکومت ارتجاعی خمینی روز به روز گسترش بیشتری می‌یابد. فداییان خلق، اعضاء و هواداران سازمان به طرق گوناگون و با ابتکارات انقلابی خود، پیام سازمان را به گوش مردم میهنمان در اقصی نقاط کشور می‌رسانند و شعارهای انقلابی و بسیجگر سازمان را بگونه‌ای فعال تبلیغ می‌کنند. رزمندگان فدایی خلق، در همه‌جا حضور دارند، در کارخانه و مزرعه، در محله و اداره، در مدرسه و دانشگاه و در جبهه و غیره. هرجا توده‌ها حرکتی و اعتراضی علیه رژیم می‌کنند، فداییان خلق به یاری آنها می‌شتابند و برای سازماندهی و هدایت مبارزه آنها می‌کوشند. به جرات می‌توان گفت که اکنون سازمان ما به لحاظ پخش وسیع نشریه کار و اعلامیه‌ها و تراکتها در میان تمام نیروهای ترقیخواه کشور جایگاه نخست را دارد. بی سبب نیست که حکام خائن جمهوری اسلامی زوزه می‌کشند و از حضور فعال سازمان ما در مبارزات توده‌ها بخود می‌پیچند.

در زیر گوشه‌ای از فعالیتهای تبلیغی رفقایمان را برای آگاهی خوانندگان انتشار می‌دهیم:

● رفقای محلات گوناگون تهران اخیرا وسیله ساده و بسیار جالبی را برای پخش اعلامیه‌ها و تراکتها بکار گرفته‌اند. عملکرد این وسیله ساده که رفقای ما با ابتکار خود آنرا می‌سازند بدینگونه است که با رها شدن یک فنر بوسیله یک نخ یا اندکی ماده شیمیایی دسته‌ای اعلامیه به هوا پرتاب می‌شود و توزیع می‌گردد و نیروهای سرکوبگر را در دستگیری مبارزان ناکام می‌کند. هر هفته چندین بار از این وسیله توسط فداییان خلق بویژه در سطح شهر تهران استفاده می‌شود که خبر آن گوش به گوش نقل می‌شود و اعلامیه‌های آن دست به دست می‌گردد.

● مدتی پیش در تقاطع خیابانهای آذربایجان و سلسبیل در تهران، از بالای یک آپارتمان مقادیر زیادی اعلامیه و تراکت سازمان پخش شد. تراکتها درباره صلح بود و اعلامیه‌ها هم مضامین گوناگونی داشت. مردم بسیاری از آنها را برداشتند و رفتند، پس از مدتی گشتی‌ها رسیدند و به صورت مسخره‌ای ساختمان را محاصره کردند و شروع به گشتن مردم نمودند.

● فداییان خلق چندی پیش از بالای ساختمان بلندی واقع در خیابان آزادی مقابل دانشکده دامپزشکی، تعداد زیادی تراکت درباره زندانیان سیاسی پخش کردند. عابرین بسیاری از تراکتها را با خود بردند. کمیته‌چی‌ها در این حین رسیدند و شروع به جمع‌آوری تراکتهایی باقی مانده نمودند و پس از مدتی توقف رفتند. آنها حتی از شعارهای سازمانهای انقلابی هراس دارند.

● اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان و گاه روزنامه کار در مقابل دانشگاه مخفیانه توزیع می‌شود. یکی از دوستداران سازمان می‌گفت هرچند گشتن جلوی دانشگاه با خطر همراه است ولی ارزش دارد، چون آدم بی‌نصیب نمی‌ماند، بالاخره یک چیزی از سازمان گیرش می‌آید. پانزدهم آذرماه حدود ساعت ۵ بعدازظهر در مقابل دبیرخانه دانشگاه اعلامیه‌های فراوانی از جانب گروههای پخش سازمان بطور تقریبا علنی پخش شد. مردم هجوم آوردند و هر کسی دیر جنبید چیزی گیرش نیامد. هر کسی تراکتی و یا اعلامیه‌ای به دست آورد سریعا از محل دور می‌شد. خلاصه مزدوران کمیته طبق معمول وقتی رسیدند که برای "انجام وظیفه" شان دیر شده بود.

● بسیاری از شعارها و اعلامیه‌های سازمان و یا اعلامیه‌هایی با مضامین مطرح شده در "کار" توسط کارگران پیشرو و انقلابی در کارخانجات گوناگون پخش می‌شود. تاکنون بسیاری از کارگران پیشرو در حین نوشتن شعار و یا چسباندن اعلامیه‌های سازمان توسط همکاران خود دیده شده‌اند و با حمایت آنها مواجه گردیده‌اند. مدتی پیش عده‌ای از کارگران یکی از کارخانه‌های حومه تهران مشغول نوشتن شعار سازمان درباره صلح بر روی دیوار کارخانه خود بودند، گشتی‌ها فرا می‌رسند، چنان متعجب می‌شوند و بهت زده می‌شوند که امکان هیچ اقدامی را پیدا نمی‌کنند. نام فدایی و تعداد بیشتر رفقای کارگر نسبت به آنها چنان آنها را ترسانده بود که دم بر نیاوردند و رفتند. پس از پخش وسیع اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان و سایر نیروهای انقلابی و مترقی در کارخانجات و محیط‌های کارگری رژیم در بسیاری از کارخانجات هنگام ورود کارگران به محل کار آنها را بازرسی بدنی می‌کنند تا به اصطلاح اوراق مضره همراه خود به کارخانه نیاورند.

● یکی دیگر از شیوه‌های موثر واحدهای پخش سازمان پخش روزنامه کار در مقابل در کارخانجات در هنگام تعطیل آنهاست. گزارشهای متعددی حاکی از این است که این امر با استقبال اکثر کارگران مواجه گردیده است. بارها رفقای ما شاهد آن بوده‌اند که کارگران به عوامل رژیم که نشریات و اعلامیه‌ها را پاره می‌کردند، اعتراض کرده و می‌گویند "شما تحمل هیچ حرف و صحبتی جز حرفهای بی سروته خودتان را ندارید."

● در پانزدهم آذرماه ساعت ۴/۵ بعدازظهر بخشی از مطالب خلاصه شده و ساده شده نشریه کار در بیش از هزار برگ توسط کارگران پیشرو یکی از کارخانجات درسه راه آذری پخش گردید و با استقبال کارگران و مردم زحمتکشی که از آنجا عبور می‌کردند مواجه شد. بخصوص پخش این اوراق توسط رفقای کارگر برای دریافت کنندگان و بینندگان آن جالب توجه بود.

● مدتی پیش تعداد زیادی از اعلامیه‌های سازمان از یکی از طبقات ساختمان پلاسکو در تهران پخش شد، استقبال عابرین در برداشتن و خواندن اعلامیه‌ها کم‌نظیر بود، بگونه‌ای که ازدحام ایجاد شده بود، مردم به یکدیگر می‌گفتند، "اعلامیه فدایی‌هاست". پس از مدتی کمیته‌چی‌ها سر رسیدند و مردم را متفرق ساختند. در همین هنگام یکی از مقامات حکومتی که با اتومبیل ضدگلوله مخصوص از محل عبور می‌کرد با دیدن جمعیت از مساله خبردار شد و یکی از محافظین خود را برای برداشتن اعلامیه‌ای که در میان شاخه‌های درختی گیر کرده بود به بالای درخت فرستاد، این امر هم توجه مردم و هم خنده و تمسخر آنها را برانگیخت.

● پخش وسیع اوراق تبلیغاتی سازمان در قزوین مسئولان حکومتی را به ستوه آورده است. یکی از مقامات حکومتی قزوین اخیرا در مقابل اعتراض سایر مسئولان حکومتی در شهر نسبت به گسترش و وسعت تبلیغات سازمان گفت: "ما خبر داریم که ۹۰٪ اعلامیه‌هایی که پخش می‌شود متعلق به فداییان است که بعضی از آنها را جمع می‌کنند و برای ما می‌آورند."

● در نهاوند به دنبال پخش وسیع اعلامیه‌های سازمان، ارگانهای سرکوب رژیم به وحشت افتادند، کمیته‌چی‌ها به اصطلاح بمنظور خنثی کردن تبلیغات گسترده سازمان که مدتهاست خواب آنها را آشفته کرده است، یکی از اعلامیه‌ها را در نماز جمعه خواندند و برای تبلیغ علیه فداییان خلق آنرا تفسیر کردند.

● در ماسوله (گیلان) با تلاش انقلابی رفقایمان "کار" بطور وسیعی پخش می‌شود و هر علاقمندی می‌تواند به راحتی به ارگان مرکزی سازمان دست یابد و آنرا مطالعه کند.

● پخش تراکت و اعلامیه‌های سازمان در سینما، هنگامیکه فیلمهای مناسبی نمایش داده می‌شود ابتکار دیگری است که رفقای ما از آن سود می‌جویند. طی ماههای اخیر بارها از بالکن سینماهای مختلف در هنگام پخش فیلم اعلامیه‌های سازمان پخش شد و مورد استقبال قرار گرفت. البته ارگانهای سرکوب رژیم بلافاصله واکنش نشان می‌دهند، سینما را محاصره می‌کنند و به کنترل و تفتیش و بازرسی می‌پردازند. هوشیاری رفقا این خطرات را منتفی می‌کند.

● در ترکمن صحرا بخصوص شهر گنبد تبلیغات سازمان افزایش چشمگیری یافته است. گزارشی حاکیست که در یک روز ۴ شعار سازمان در خیابان اصلی شهر با حروف درشت نوشته شده بود و بخوبی جلب توجه می‌کرد. اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان همه روزه در خیابانها و کیوسکهای تلفن و مدارس شهر به چشم می‌خورد. این اعلامیه‌ها در بین خانواده‌های ترکمن دست به دست می‌شود و به روستاها می‌رود. مسئولان حکومتی در منطقه اخیرا برای گشتهای سپاه و شهربانی جلساتی تشکیل داده‌اند و چگونگی جلوگیری از گسترش تبلیغات سازمان را با توجه به حساسیت منطقه و علاقه و اعتماد خلق ترکمن به فداییان خلق مورد بررسی قرار داده‌اند.

● در اراک به دلیل پخش مکرر اعلامیه‌های فداییان خلق در مدارس، سپاه پاسداران و کمیته تاکنون چندین بار اقدام به محاصره مدارس کرده و یک یک دانش‌آموزان را مورد بازرسی قرار داده است. از جمله این مدارس که حساسیت نیروهای سرکوبگر رژیم را برانگیخته دبیرستان شریعتی اراک است.

● مدارس جنوب شهر تهران از تراکتها و اعلامیه‌های سازمان پر شده است. طول موج رادیو زحمتکشان و تراکتهای چاپی و دستنویس که همه شعارهای سازمان را تبلیغ می‌کند خشم مسئولان مدارس بخصوص انجمن اسلامی را برانگیخته است و آنها را مجبور کرده است حتی توالت رفتن بچه‌ها را کنترل کنند.

● در باغچی‌آباد محله‌ای در جنوب شهر تهران، به دنبال گسترش چشمگیر تبلیغات سازمان بر تعداد گشتهای شبانه افزوده شده است. شعارهای سازمان در این محله گاه روزها بر دیوارها باقی می‌مانند، پخش وسیع کار به طرق گوناگون در این محله زحمتکش نشین خشم مزدوران رژیم را برانگیخته است.

● نوشتن شعارهای سازمان با خطوط درشت در معرض دید همگان، یکی از فعالیتهای تبلیغی فداییان خلق در شهرهاست. به دلیل کثرت شعارهای سازمان در سطح شهر تهران رژیم علیرغم بسیج و بکارگماری گشتهای خاص و اکیپهای پاک کننده شعارها، قادر نیست زودتر از ۲ روز شعارها را پاک کند.

* * * *

در اکثر نقاط کشور در پرتو تلاش انقلابی و خستگی ناپذیر واحدهای انتشار و پخش فداییان خلق، دستیابی همه نیروهای انقلابی و عناصر آگاه و پیشرو و علاقمند به مطالعه نشریات سازمان ممکن و عملی است. این موفقیت بزرگی است که در شرایط اختناق و استبداد قرون وسطایی که ارتجاع حاکم بر میهن ما مسلط ساخته است، سازمان ما به آن دست یافته است. این امر ما را قادر ساخته است تا در اجرای نقش و وظیفه آگاهگرانه و سازمانگرانه خود گامهای ارزشمندی به پیش برداریم. اما این هنوز کافی نیست ما در این راه باید هر روز بر تلاش و کوشش خود بیافزاییم و نواقص کار و کمبودها را بگونه‌ای انقلابی از سر راه خود برداریم ●

توطئه‌های پشت پرده برای گرفتن زمینهای دهقانان

چندی پیش آیت‌الله خادمی طی شکایت‌نامه‌ای از ادامه اجرای مواردی از قانون اصلاحات ارضی شاه منفور گله کرده و از شورای نگهبان خواسته است تا نظر خود را درباره آن اعلام دارد. شورای نگهبان ارتجاع در پاسخ به این نامه حساب شده که به احتمال زیاد قرار و مدار آن از قبل گذاشته شده بوده است، طی نامه شماره (۱۳۷۱ــ ۶۳/۳/۲۱) به وزارت کشاورزی ابلاغ کرد که ... "نظر به اینکه دستورالعمل شماره ۱۲/۱/۳۳۱۳ مورخه ۱۳۶۱/۱۲/۲ مبنی بر ادامه و استمرار قانون اصلاحات ارضی دوره طاغوت مغایر با موازین شرعی است سریعا لغو آن را به ادارات تابعه اعلام فرمایند".

چنین سندهایی که مهمترین آنها همان "لایحه حدود و فعالیت تولیدی بخش خصوصی" است اثبات می‌کند که رژیم خمینی فیلش یاد هندوستان کرده و در تلاش برای احیاء نظام ارباب و رعیتی حتی در فکر پیدا کردن کلاه شرعی برای الغاء اصلاحات ارضی نیم‌بند رژیم وابسته شاه است که در نتیجه چند دهه مبارزات شدید دهقانان به آن رژیم تحمیل شد.

برای حکام خائن جمهوری اسلامی هرچه که به نفع بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران است "شرعی" است و هرچه که موافق منافع زحمتکشان است غیر "شرعی" است. واقعیت این است که بسیاری از روحانیون حاکم از قدیم الایام سنگ بزرگ مالکان را به سینه می‌زدند و از همان آغاز با اقدامات شاه خائن نیز از ارتجاعی‌ترین موضع مخالفت می‌کردند. آنها اکنون که بر مسند قدرت نشسته‌اند در صددند تا از دهقانان زحمتکش و محروم انتقام بگیرند و نظام ارباب و رعیتی را به ارتجاعی‌ترین شکل بازسازی کنند. تصمیم و تمایل رژیم در این باره هم از نامه شورای نگهبان به وزارت کشاورزی بخوبی مشهود است و هم در اقدامات گوناگون دیگر رژیم که بعضی از آنها جنبه قانونی یافته است.

تصویب ماده واحده مربوط به زمینهای موقوفه در اواخر سال ۶۲ که مالکیت دهقانان بر املاک وقفی واگذار شده در سال ۱۳۵۰ به دهقانان صاحب نسق را غیر "قانونی" اعلام کرد، نمونه دیگری از کوشش حکام خائن جمهوری اسلامی برای بازپس گرفتن زمینهای واگذاری در گذشته، از دهقانان کم‌زمین و خرده مالکان است. در لایحه "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" رژیم نه تنها مالکیت بزرگ مالکان بر میلیونها هکتار زمینهای بایر را قانونی و تثبیت کرده است و آنان را مجاز ساخته تا به هر میزانی که توان داشته باشند و بخواهند زمینهای موات را در اختیار گیرند و به مالکیت خود درآورند، بلکه این قانون با غیر شرعی دانستن هرگونه تعرض به بزرگ مالکان دست آنها را برای بازپس گرفتن زمینهای دهقانان کم‌زمین و خرده مالکین که حتی قبل از انقلاب صاحب زمین شده‌اند باز گذاشته است.

دست حکام خائن جمهوری اسلامی که مدتها وعده دادند و دهقانان را سر دواندند، روز به روز بیشتر برای دهقانان رو می‌شود. دهقانان زحمتکش می‌دانند که عدم اجرای اصلاحات ارضی و حمایت همه‌جانبه رژیم از بزرگ مالکان فراری عامل اصلی سیه‌روزی آنان است. آنها می‌دانند که مسبب اصلی ورشکستگی اقتصاد کشاورزی ما و نابودی تولیدات زراعی، درآمد کم، بیکاری و آوارگی میلیونها دهقان محروم از روستاها، حکام جمهوری اسلامی‌اند که بزرگ مالکان را زیر چتر حمایت خود گرفته‌اند و دهقانان را شلاق می‌زنند و زندانی می‌کنند. مبارزه و مقاومت دهقانان زحمتکش علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها، رژیم را وادار ساخته است که اهداف خویش را در بازسازی نظام ارباب و رعیتی بطور تمام و کمال و الغاء رفرم ارضی شاه با احتیاط و مزورانه پیش برد. دهقانان میهن ما علیه این اقدامات ضد دهقانی ارتجاع حاکم صفوف خود را متحدتر می‌کنند و مبارزه خویش را با شدت بیشتری پی می‌گیرند ●

از میان گزارشها

اعتصاب کارگران کارخانه خانه‌سازی باختران برای انحلال انجمن اسلامی

کارگران مبارز و قهرمان کارخانه خانه‌سازی باختران پس از مبارزات طولانی با اتحاد و یگانگی خود موفق شدند مسئولین را به انحلال انجمن اسلامی کارخانه که نقش خبرچین و ساواکی را در کارخانه داشت وادارند. این امر همه کارگران و کارکنان این کارخانه را شادمان ساخت. کارگران کارخانه مزبور مدتی قبل موفق شده بودند مدیرعامل ضدکارگری و مرتجع کارخانه را با وحدت و یکپارچگی برکنار سازند. در پی این پیروزی، مقامات استان دست به انتقامجویی زدند و نمایندگان آنها را زندانی کردند. کارگران در محوطه کارخانه متحصن شدند، سپاه وحشیانه به ضرب و شتم کارگران پرداخت، کارگران استوار ایستادند و مقاومت کردند. از طرفین چند نفر مجروح شدند. رژیم ناامید شد و اجبارا عقب نشست، کارگران با ادامه مبارزه خود موفق شدند همکاران زندانی خود را آزاد کنند.

اعتصاب و اعتراض کارگران نسبت به اخراج همکارانشان شدت می‌گیرد

کارخانه لاستیک وکفش جم ـ اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه لاستیک و کفش جم نسبت به اخراج عده‌ای از کارگران با موفقیت خاتمه یافت و کارگران موفق شدند با اتحاد و مبارزه خود همکارانشان را به کار بازگردانند و مدیریت را به عقب‌نشینی وادارند.

اعتراض کارگران نفت جنوب ـ کارگران شرکت نفت در خوزستان به همراه "کارگران گسترشی" (کارگرانی که از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی استان خوزستان به شرکت نفت معرفی شده‌اند) که شرکت نفت با صدور بخشنامه‌ای بخشی از آنها را اخراج کرده است، به شدت اعتراض نمودند. در پی این تصمیم کارگران گسترشی اعتصاب کردند و بر سر کار حاضر نشدند. دیگر کارگران نیز علیرغم فشار مسئولان حاضر نشدند کار آنها را انجام دهند. این وحدت و یکپارچگی کارگران مقامات حکومتی را به وحشت انداخت و رژیم مجبور شد سریعا کارگران اخراجی را به کار بازگرداند.

اخراج کارگران آب و برق خوزستان ـ اخراج ۲۵۰۰ نفر از کارگران پیمانی آب و برق خوزستان با اعتراض شدید آنها مواجه گردید. مسئولان در مقابل اعتراض گسترده کارگران به تکاپو افتادند و قول دادند که آنها را به کار بازگردانند. کارگران به اداره کار شکایت کردند و اعتراض خود را گسترش دادند. در پی این امر مدیران آب و برق خوزستان ۲۰۰ نفر از کارگران اهوازی معترض را اخراج قطعی کردند و پس از چند روز دیگر اسامی ۴۰۰ نفر دیگر به عنوان اخراجی قطعی اعلام شد. تعداد اندکی از کارگران نیز به کار بازگردانده شدند. وضع به همین منوال ادامه دارد و کارگران به اعتراض خود علیه این تصمیم ضدکارگری به طرق گوناگون ادامه می‌دهند.

قم ـ واحد تولیدی همام تولیدکننده برزنت، که اخیرا به‌جای تولید برزنت، برزنت از پاکستان وارد کرده و می‌فروشد، اقدام به اخراج کارگران خود نمود. همچنین کارخانه فیلتر تراک قم نیز به دلیل وارد کردن محصول از خارج خط تولید خود را تعطیل کرده و یکصد تن از کارگران خود را اخراج نموده است.

تبریز ـ در کارخانه کبریت‌سازی تبریز ۵ تن از کارگران مبارز که یکی از آنها نماینده کارگران است را به جرم تبلیغات علیه رژیم اخراج نمودند. این امر خشم و نفرت و اعتراض سایر کارگران را برانگیخت. رژیم برای خاموش ساختن اعتراض کارگران اقدام به تهدید و ارعاب آنها نموده است.

گیلان ـ در کارخانه فرش در دیماه به دستور مدیرعامل سه تن از کارگران اخراج شدند. اما دو هزار تن از کارگران این کارخانه با همبستگی شکوهمندی به حمایت از اخراج شدگان برخاستند. و کارگران اخراج شده را علیرغم دستور و تاکید مدیرعامل بکار بازگرداندند.

* در کارخانه ایران پدک رشت ۳۰ تن از کارگران را در اواخر دیماه به بهانه‌های واهی اخراج نمودند. دیگر کارگران به حمایت اخراج شدگان برخاسته و پیگیرانه اقداماتی را برای بازگشت آنان به کار آغاز نمودند. بر اثر این اقدامات تا کنون ۲۷ نفر به کار بازگشتند.

با بهره‌گیری بیرویه پالایشگاهها را تخریب میکنند

به دستور سرکردگان رژیم از پالایشگاههای نفت کشور بیشتر از ظرفیت و توان آنها بهره‌برداری می‌کنند. بدین ترتیب این پالایشگاهها را به شدت فرسوده کرده و در معرض نابودی قرار داده‌اند. با این روش بهره‌برداری، ایمنی تاسیسات حساس پالایشگاهها به هیچ وجه مراعات نمی‌شود و از این رو هر لحظه احتمال بروز فاجعه‌ای میرود.

مبارزه پیروزمندانه اهالی دهنون اصفهان

در ۱۳ بهمن اهالی دهنون اصفهان (که در کیلومتر ۱۰ جاده اصفهان ـ تهران واقع است) پس از یک درگیری ششماهه با مسئولین دولتی بر سر نحوه تقسیم دفترچه‌های ستاد بسیج اقتصادی، جاده اصفهان به تهران را مسدود ساختند.

به اهالی دهنون از سوی بسیج اقتصادی دفترچه سهمیه کالای روستایی داده بودند. مقامات دولتی در توزیع کالا میان شهر و روستا آشکارا و رسما تبعیض قائل شده‌اند. با دفترچه بسیج روستایی نمی‌توان کالاهایی مثل مرغ و تخم مرغ تهیه نمود. مقامات با این فرض غیرواقعی که در روستاها مرغ و تخم مرغ و ... به وفور یافت می‌شود، از توزیع اینگونه کالاها در روستا خودداری می‌نمایند. از این رو اهالی دهنون خواستار دفترچه کالاهای شهری بودند. آنها تاکید می‌کردند چگونه است که در اخذ عوارض ما را شهری به حساب می‌آورند ولی وقت دریافت کالا، روستایی می‌شویم. زحمتکشان دهنون برای وادار ساختن مسئولین به پذیرش خواسته‌شان در روز ۱۳ بهمن با به آتش کشیدن لاستیکهای کهنه جاده تهران ـ اصفهان را مسدود کردند.

مقامات دولتی پس از ۴۸ ساعت ناچار شدند در برابر زحمتکشان دهنون عقب نشسته و به خواسته‌شان تن دهند.

در برابر یورش رژیم، زحمتکشان ایستادگی میکنند

همزمان با سالگرد انقلاب کیانشهر (واقع در دولت‌آباد در جنوب شرقی تهران) صحنه اعتراض خشمگین مردم علیه سیاستهای ضدمردمی رژیم جمهوری اسلامی شد. هزاران تن از ساکنین آپارتمانهای کیانشهر و اهالی دولت‌آباد در برابر مامورین شهرداری و نیروهای انتظامی که قصد تخلیه منازل این زحمتکشان را داشتند، قاطعانه ایستادند. در بیستم بهمن‌ماه مامورین شهرداری همراه با نیروهای انتظامی به محل مراجعه کرده و با تهدید و فریب شروع به تخلیه اثاثه منازل کردند که به مقاومت مردم منجر شد و در پی آن زد و خورد سنگینی روی داد. زحمتکشان بمنظور جلب توجه مردم به رویدادهای این محل، اتوبان پرترافیک افسریه را در نزدیکی تقاطع اتوبان بعثت مسدود نمودند و در همان جا متحصن شدند که بلافاصله نفرات سپاه پاسداران سر می‌رسند.

تحصن تا مدتی طولانی ادامه می‌یابد و تنها پس از اینکه به ساکنین آپارتمانهای کیانشهر قول داده شد که خانه‌هایشان را تخلیه نخواهند کرد، تحصن پایان گرفت.

یکی از ستون های رژیم

ملکوتی امام جمعه تبریز مدتی قبل در یکی از سخنرانیهایش اعلام داشته بود "اکرامی از ستونهای دین و انقلاب است". اکرامی، شخصی که چنین از طرف ملکوتی مورد تجلیل قرار گرفته، از سرمایه‌داران بزرگ تبریز است. یک قلم از دارایی های او یک کارخانه حلبی سازی است. مواد اولیه این کارخانه را شخصا با بهای ارزان از خارج وارد می‌کند. در کارخانه روزانه ۱۸۰۰۰ پیت حلبی ساخته می‌شود. هزینه تمام شده برای هر عدد ۱۰ تومان و نرخ فروش ۲۵ تومان است. به این ترتیب "ستون دین و انقلاب" آقای ملکوتی تنها از این محل روزانه ۲۷۰ هزار تومان درآمد خالص دارد.

کودکان و نوجوانان در جبهه

وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای به مدارس راهنمایی اعلام کرد که ۴۵۰۰ دانش‌آموز راهنمایی در جبهه‌های جنگ بسر می‌برند. در این بخشنامه از معلمین خواسته شده بود که برای تدریس این دانش‌آموزان در همان جبهه جنگ، داوطلب شوند.

کارگران علیه جنگ

در کارخانه پلی اکریل اصفهان که از کارخانه‌های بزرگ این شهر صنعتی است، هرماهه مبلغی از کارکنان تحت عنوان کمک به جبهه اخذ می‌نمودند. این امر همیشه مورد اعتراض آنها بود. اخیرا که اعتراض در این زمینه بالا گرفت، مسئولین اعلام داشتند مخالفین کتبا مخالفت را مطرح نمایند. مسئولین کارخانه گمان می‌کردند در برابر این پیشنهاد کارگران مرعوب شده و از خواست برحقشان دست خواهند کشید. اما برخلاف انتظارشان اکثریت قاطع کارگران ورقه‌ای را امضاء کردند که حاکی از عدم رضایتشان از پرداخت کمک به جبهه بود.

اعتصاب و اعتراض کارگران در رابطه با طرح طبقه‌بندی مشاغل

قزوین ـ چندی پیش کارگران سه واحد ریسندگی قزوین به نامهای "نازنخ"، "مه‌نخ" و "فرنخ" به دلیل عدم اجرای طرح ارزشیابی مشاغل دست به اعتصاب یکپارچه و هماهنگ زدند. کارگران سه واحد مزبور که در مجموع بیش از ۳ هزار نفر کارگر دارد در یک اجتماع خواهان رسیدگی به وضع خود شدند. پاسداران با لباس مبدل به میان کارگران رخنه کردند و پس از شناسایی، ۱۰ نفر از فعالین اعتصاب را دستگیر نمودند. این اعتصاب سه روز ادامه داشت. در طی اعتصاب کارگران بطور جمعی به سر جاده رفته و با متوقف ساختن سرویس سایر کارخانجات شهر صنعتی البرز، آنها را در جریان قرار می‌دادند و حمایت آنها را می‌طلبیدند.

تهران ـ در کارخانه آتمسفر که سازنده وسایل تاسیسات است، طبقه‌بندی مشاغل صورت گرفت. اما بر خلاف انتظار کارگران به دستمزد گیرندگان حقوق های پایین بطور متوسط روزانه فقط ده تومان اضافه شد و از حقوق کارگران با سابقه و یا متخصص مقدار قابل توجهی کسر گردید. کارگران این تصمیمات را نپذیرفته و احکام جدید را مردود دانسته و به کارگزینی پس دادند. در قسمت تعمیرات کارگران معترض یک روز اعتصاب کردند.

فقط ۴ درصد

اخیرا از جانب گمرک مهرآباد لیست محرمانه‌ای از وضعیت کارمندان به وزارت اقتصاد و دارایی ارسال شده که در آن ۱۷ نفر از کارمندان را صادق، ۴۰۰ نفر را ناراضی و کم‌کار و بقیه را عناصر نامطلوب تشخیص داده‌اند.

اخباری از بازگشت بزرگ مالکان

هرمزگان ـ رودان ـ "صمدخان" از فئودالهای معروف منطقه رودان با حکم "حاکم شرع" منطقه و با حمایت ارگانهای سرکوب رژیم، به قصد باز پس گرفتن زمینهای مصادره‌ای دهقانان روستای "چراغ‌آباد" به روستا بازگشته است.

خوی ـ روستای "علی شیخ" ـ ۵ تن از روستاییان علی شیخ به دلیل رهبری اعتراض دهقانان و دامداران در مقابل یکی از زمینداران و دامداران بزرگ روستا، توسط حاکم شرع خوی بازداشت و به ۶ ماه حبس محکوم شدند. قابل توجه است که ۴ تن از این روستاییان از اعضای هسته مقاومت روستا بوده و یک تن دیگر از آنها رییس شورای ده است. این امر اعتراض اهالی را برانگیخت و زنان روستا با به چرا بردن گوسفندان به روی مراتع غصبی فئودال مزبور اعتراض خود را ادامه دادند. مقامات شهرستان خوی اقدام به دستگیری شوهران این زنان مبارز روستایی نمودند. این اقدام باعث اعتراض اهالی روستاهای مجاور شد. دهقانان روستاهای مجاور در پی این اعتراض به خوی رفتند و خواهان آزادی سریع زندانیان شدند. حاکم شرع و دیگر مسئولان که از این امر به وحشت افتاده بودند فورا اقدام به آزادی زندانیان کردند.

ترکمن صحرا ـ دهقانان زحمتکش روستای "پهلکه" حومه علی‌آباد که با مبارزات خود و حمایت همه‌جانبه "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" زمینهای "نعمتی" بزرگ مالک روستا را پس از انقلاب مصادره کرده‌اند، بار دیگر با اتحاد و مبارزه خود اقدامات پاسداران رژیم را که قصد بازپس گرفتن زمینهای دهقانان و برگرداندن آنها به "نعمتی" را داشتند، خنثی کردند و آنها را ناکام ساختند.

اردبیل ـ روستای "خشکه رود" ـ "سیدفاشق" و دیگر اعضای خانواده "انواری" که از روحانیون ذی‌نفوذ اردبیل بوده و شخص وی از فئودالهای بزرگ و تولیت مسجد جامع شهر است، اخیرا با حمایت موسوی اردبیلی، صانعی دادستان کل رژیم، مروج امام جمعه اردبیل و اصلانی حاکم شرع، اقدام به بازپس‌گیری سه هزار هکتار از اراضی روستای "خشکه رود" که دهقانان پس از انقلاب از وی مصادره کرده بودند کرد. دهقانان روستای "خشکه رود" دست به مقاومت زدند ولی ارگانهای سرکوب رژیم دهقانان مبارز را دستگیر و زندانی کردند و تعدادی از آنها را بی‌شرمانه به زندان بین ۱ تا ۳ سال محکوم نمودند.

مازندران ـ بابل ـ دادگاه انقلاب شهرستان بابل، طی حکمی از همه کسانیکه از سال ۵۸ زمینهای بزرگ مالکان را مصادره کرده‌اند خلع ید کرده و حمایت همه‌جانبه خود را یکبار دیگر از همه بزرگ مالکان اعم از ساواکی و فراری ریز و درشت اعلام نمود.

دهقانان منطقه به این حکم اعتراض نمودند و دادگاه انقلاب بابل نیز برای ده تن از نمایندگان آنها غیابا حکم زندان صادر کرد. ارگانهای سرکوب رژیم در بابل تاکنون موفق شده‌اند ۴ تن از این دهقانان مبارز را دستگیر کنند. بقیه آنها محل سکونت خود را ترک گفته‌اند.

پیام شادباش احزاب برادر به مناسبت ۱۹ بهمن و برگزاری پلنوم مهرماه

به مناسبت نوزدهم بهمن سالگرد بنیانگذاری سازمان و همچنین به خاطر تشکیل پلنوم مهرماه کمیته مرکزی از سوی احزاب برادر و سازمانهای انقلابی پیامهای تبریکی به کمیته مرکزی سازمان ارسال گردیده است.
همچنین تعدادی از نشریات احزاب خبر تشکیل پلنوم و تصمیمات آن را بازتاب داده‌اند. اخیرا نیز "بولتن اطلاعاتی" احزاب کمونیستی و کارگری شماره ششم سال ۱۹۸۵ با درج اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی و فراخوان پلنوم به جهانیان به انعکاس وسیع مبارزه ما در سطح جهان یاری رساندند.
در پیامهای رسیده ضمن ابراز صمیمانه‌ترین احساسات نسبت به سازمان از مبارزات عادلانه و برحق مردم ایران علیه ارتجاع قاطعانه پشتیبانی شده است.

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه آمده است: "به مناسبت چهاردهمین سالگرد تولد سازمان شما، حزب کمونیست فرانسه همبستگی خود را با مردم ایران و نیروهای دمکراتیک آن را مورد تاکید قرار می‌دهد. حزب کمونیست فرانسه به مساعی همه ترقیخواهان و میهن‌پرستان ایرانی، بویژه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه به خاطر دمکراسی، رعایت حقوق بشر، ترقی اجتماعی و پایان دادن به جنگ عراق و ایران درود می‌فرستد".

در پیام کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به کمیته مرکزی سازمان گفته شد: "کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به نمایندگی از تمام اعضای حزب و مردم انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان بهترین شادباش‌های رفیقانه و همبستگی گرم برادرانه خویش را به مناسبت آغاز پانزدهمین سال بنیانگذاری سازمان قهرمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شما و از طریق شما به تمام اعضای رزمنده و دلیر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و همه زحمتکشان ایران ابراز می‌دارد."
در پیام همچنین آمده است: "رفقای عزیز! امروز یک سال دیگر از زندگی پرافتخار سازمان قهرمان شما سپری شده است، یک سال پررنج برای مردم و انقلاب ایران، سالی سرشار از مبارزه، حماسه‌ها و قهرمانیها، سالی که پلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با نتایج سودمند در زندگی سازمان و جامعه پیروزمندانه برگزار گردید."

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان آمده است: "کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان از طرف تمام اعضای خود و زحمتکشان پاکستان، به مناسبت فرارسیدن چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) گرمترین درودهای انقلابی و برادرانه و تبریکات خود را به شما و از طریق شما به تمام اعضای سازمان شما و زحمتکشان ایران ارسال می‌دارد. تحت اختناق‌آمیزترین شرایط سلطنت مستبده طرفدار امپریالیسم، تاسیس سازمان شما در تاریخ جنبش انقلابی ایران حادثه مهمی محسوب می‌گردد"...
"اکنون که محافل ارتجاعی ایران با یورش بزرگ علیه حزب توده ایران، سازمان شما و سایر نیروهای مترقی، برای پس گرفتن دستاوردهای انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی ایران تلاش می‌ورزد، اتخاذ مواضع اصولی و ثبات و تداوم مبارزات شما سازمان را در میان احزاب برادر کمونیستی و کارگری از پرستیژ عالی برخوردار نموده است."

در پیام تبریک حزب کارگران کمونیست سوئد به مناسبت برگزاری پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان آمده است: "رفقای عزیز! ما خبر برگزاری پلنوم اکتبر ۱۹۸۴ کمیته مرکزی سازمان شما را دریافت کردیم، خبرهای واصله گواهی می‌دهد که سازمان شما در شرایط بسیار دشواری فعالیت می‌کند، ولی با وجود این دشواریها، کار خستگی‌ناپذیرش برای احقاق حقوق قانونی مردم ایران همچنان ادامه دارد. حزب ما همبستگی عمیق خود را با مبارزه شما اعلام می‌دارد و برای پیروزی مبارزات شما در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آرزوی موفقیت می‌کند."

در پیام دفتر مرکزی حزب کمونیست هندوستان آمده است:
سازمان شما تحت هدایت ایده‌های مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری همگام با حزب توده ایران و دیگر نیروهای میهن‌پرست و ضدامپریالیست، سهم عظیمی را در جهت تحقق و تثبیت اهداف انقلاب مردمی ۱۹۷۹ ایران و در مبارزه بر علیه سیاستهای تسلیم‌طلبانه و مخرب رژیم مستبد کنونی کشورتان بر عهده دارد.
بقیه در صفحه ۹

جشن اول ماه مه را هرچه پرتوان‌تر برگزار کنیم

اول ماه مه روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان، عید بزرگ کارگری جهان است. هرساله کارگران و احزاب کمونیست و کارگری همه کشورها، این روز را به تناسب شرایط کشور خود جشن می‌گیرند و همبستگی خود را با برادران خود در سایر کشورها و حمایت از مبارزات آنان را اعلام می‌کنند.
در کشورهای سوسیالیستی، انقلابی و ترقیخواه جشن اول ماه مه با شکوه هرچه تمامتر برگزار می‌شود. در کشورهای اروپایی و در آمریکا، احزاب کمونیستی و کارگری و اتحادیه‌های کارگری میتینگهای باشکوه برگزار می‌کنند. در آن کشورها که خفقان و استبداد حاکم است، کارگران اگرچه مخفیانه، اما باز هم این روز را جشن می‌گیرند.
در جامعه کارگری ایران، برگزاری این جشن از سنن کارگری است. در تمام دوران سیاه پهلوی، کارگران ما این سنت را گرامی می‌داشتند. آنها وقتی که رژیم شاه سرنگون شد، عید کارگری را با شکوه تمام علنا برگزار کرده‌اند. در سال ۵۸ کارگران عظیم‌ترین راهپیمایی اول ماه مه را برگزار کردند. آنان در این راهپیمایی عظیم عزم استوار خود را به ادامه نبرد علیه امپریالیسم، استبداد و ارتجاع اعلام کردند. در سال ۶۰ جشن اول ماه مه با عظمت بی‌سابقه به دعوت سازمان ما برگزار شد. در این جشن صدها هزار نفر در میدان آزادی تهران گرد آمدند، همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان و آمادگی خود را در پاسداری از دستاوردهای انقلاب در برابر یورش امپریالیسم و ارتجاع اعلام کردند.
از آن زمان به بعد، کارگران بار دیگر از برگزاری علنی و رسمی جشن محروم شده‌اند. در سه سال گذشته سران رژیم با لغو تعطیلی اول ماه مه، با بهانه قرار دادن ادامه جنگ و افزایش فشار به کارگران برای افزایش تولید و با پیش کشیدن سالمرگ اشخاص وابسته به خود کوشیدند مانع برگزاری جشن اول ماه مه شوند. رژیم حتی تلاش کرد که با لغو رسمی تعطیل اول ماه مه، از برگزاری هرنوع جشن در محیط کار جلوگیری کند. با این حال کارگران تسلیم این فشارها نشدند و در محافل خصوصی و در محیط کار جشن را مخفیانه برگزار کردند.
امروز موقعیت رژیم در برابر کارگران و زحمتکشان ایران ضعیف‌تر از سال گذشته است. کارگران باید از تغییر موقعیتی که با دادن هزاران اخراجی، زندانی و کشته به دست آورده‌اند، به سود تضعیف بیشتر رژیم و تقویت موقعیت خود سود جویند و حداکثر بهره‌برداری را بکنند. کارگران باید تعطیل رسمی اول ماه مه را درخواست کنند و بطور مستقل این روز را تعطیل کنند. از حالا برگزاری هرچه باشکوه‌تر جشن را تدارک ببینند. از حالا فکر کنند که چگونه در این روز به طرح خواست و مطالبات خود و تحکیم اتحاد و همبستگی کارگری و به عرصه افشای رژیم تبدیل کنند. اگر همه کارگران هر واحد و اگر کارگران همه واحدها برگزاری علنی جشن و تعطیل آن روز را بخواهند رژیم قادر به جلوگیری نیست. ما باید به استقبال اول ماه مه بشتابیم ☆

خمینی: اسلام ما را موظف می‌کند ساواک درست کنیم!

ری شهری وزیر اطلاعات "ساواک" جمهوری اسلامی چندی پیش طی مصاحبه‌ای درباره شیوه تشکیل وزارت اطلاعات و وظایف آن سخن گفت و اعلام داشت که با تشکیل وزارت اطلاعات سازمانهای پراکنده اطلاعاتی از جمله دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری، مراکز اطلاعاتی سپاه پاسداران، کمیته‌ها و دادستانیها همگی متمرکز گردیدند. وی افزود "وزارت اطلاعات هم اکنون در همه استانها، شهرستانها و شهرها تشکیلات خود را مستقر کرده است" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۲۹)
پس از این اقدامات وزیر ساواک جمهوری اسلامی به اتفاق گروهی از مسئولان این وزارتخانه با خمینی دیدار و گزارش کارهای ساواک را "تقدیم" کرد. در این دیدار خمینی ضمن سخنانی کوشید نسبت به واکنش مردم که بیش از پیش تنفر خود را از ساواک جدیدالتاسیس رژیم ابراز می‌دارند پاسخ گوید و به تشکیل ساواک جنبه شرعی و اسلامی دهد. او گفت "وزارت اطلاعات (ساواک) از امور بسیار مهم است" ... "اسلام ما را موظف می‌کند در این امور دخالت کنیم. کنار رفتن و کنج خانه نشستن و دعا کردن فایده‌ای ندارد، باید به انبیاء اقتدا کنیم"! بدینگونه "فقیه معصوم" برای پیگرد و شکنجه و کشتار انقلابیون و معصوم‌ترین فرزندان مردم پرچم تشکیل ساواک را هم مثل پرچم ادامه جنگ و دهها جنایت دیگر به دست گرفت. ساواک رژیم با هدف تشدید سرکوب سازمان یافته و سیستماتیک مبارزات رشدیابنده توده‌ها و احزاب و سازمانهای سیاسی که رژیم را افشاء و رسوا می‌سازند تاسیس گردید. دیگر سازمانها و واحدهای اطلاعاتی گوناگونی که زیر نظر ارگانهای مختلف به فعالیت ضد مردمی مشغول بودند کافی نبود. حفظ حکومت در شرایطی که روز به روز گروههای بیشتری از مردم به نبرد علیه آن برمی‌خیزند به تشکیلات امنیتی وسیعی که با اتکاء به تجربیات امپریالیستها سازمان یابد و کار کند نیازمند بود. حکام جمهوری اسلامی که با "دوراندیشی" از همان ابتدای انقلاب مانع از انحلال بخشهایی از ساواک منفور شده بودند با شتاب اقدام به بازسازی ساواک جدیدی در ابعاد وسیع‌تر و در حد یک وزارتخانه نمودند. البته بسیاری از ساواکیهای معروف و مسئولان امنیتی منفور شاه خیلی زود به مشاوران امنیتی رژیم بدل شدند و سیستمهای بازجویی و تعقیب و مراقبت انقلابیون را برای حکام جمهوری اسلامی کنترل و هدایت می‌کردند ولی از زمان تشکیل وزارت "ساواک" جدید
بقیه در صفحه ۴

دستورالعمل محرمانه علیه اعتصابات کارگری

اخیرا از سوی "نخست وزیری" نامه محرمانه‌ای به کلیه فرمانداریهای شهرستانها ارسال شده که موضوع آن مربوط به اعتصابات کارگری و چگونگی سرکوب آنهاست. در این نامه اعتصابات کارگری به سه دسته "اضطراری"، "مهم" و عادی تقسیم‌بندی شده است. در مورد سرکوب اعتصابهای از نوع "اضطراری" وظایف و دستورالعملهای مشخصی تعیین شده و در مورد بازداشت فعالین اعتصاب و چگونگی آرام کردن کارگران اعتصابی رهنمودهایی ارائه شده است. در این بخشنامه گفته شده: "ماموریین به هیچوجه دست به بازداشت در بین جمعیت تظاهرکننده نزنند، بلکه باید رهبری آنها را شناسایی و در بیرون از محیط کارخانه به صورت فردی و پنهانی بازداشت نمایند". و نیز گفته شده: "ماموریین باید با لباس مبدل در میان جمعیت حرکت کرده و اعتصابیون را آرام کنند". در بخشنامه مزبور در مورد وظایف فرمانداران گفته شده: "به مجرد شروع اعتصاب در هر شهر فرماندار موظف است در اسرع وقت موضوع را به مقامات بالا و نخست وزیری اطلاع دهد" و در مورد تمرکز بخشیدن و هماهنگ کردن قوای سیاسی، اداری، انتظامی در رابطه با اعتصاب با اصطلاح اضطراری گفته شده: لازم است جلسه‌ای از ۵ نفر شامل فرماندار شهرستان، فرمانده سپاه پاسداران، فرمانده کمیته انقلاب اسلامی، فرمانده ارتش و نماینده ویژه وزارت کار سریعا تشکیل شود و موضوع را بررسی و اتخاذ تصمیم کنند."
آنچه سبب این تلاشهای مذبوحانه رژیم گشته است رشد سریع مبارزات کارگران و بطور مشخص وقوع نزدیک به صد و پنجاه اعتصاب کوچک و بزرگ در طول سال گذشته است.
سران خائن و مرتجع رژیم که زمانی آنچنان اعتماد و فداکاری مردم را پشت سر خود داشتند، هم اینک خشم و اعتراض روزافزون کارگران و تشدید اعتراض و نارضایی دیگر اقشار خلق را در مقابل خود می‌بینند. آنها دیگر نمی‌توانند کارگران مبارز را با وعده و حرف، با حقه‌بازی و با زبان‌بازی مخصوص خودشان بفریبند. سرکوب مسلحانه و خشن کارگران اعتصابی نیز نمی‌تواند برایشان نتیجه مطلوب ببار آورد.
کارگران میهن ما تجارب بس ارزشمندی از مبارزات انقلابی خود علیه رژیم شاه اندوخته‌اند. بهره‌گیری روزافزون از درسهای آموزنده انقلاب آنان را تا حد قابل ملاحظه‌ای آبدیده و آگاه کرده است. ایستادگی و مقاومت کارگران در برابر سرکوب خشن و ناتوانی رژیم در پایان بخشیدن به روند اعتصابات فزاینده کارگری مخصوصا در واحدها و موسسات بزرگ، رژیم را مجبور ساخت که به اشکال پیچیده‌تر سرکوب و تلفیق آن با سرکوب مسلحانه روی آورد. بخشنامه محرمانه ضدکارگری "نخست وزیری" نیز با چنین هدف صادر شده است. کارگران آگاه و پیشرو و همه فعالین جنبش انقلابی کارگری باید با پیگیری این توطئه‌ها را افشاء کنند و توده کارگران را نسبت به نقشه‌های رژیم آگاه سازند و برای خنثی کردن این تلاشها تجهیز کنند●

آدرس:
Pf.10
1091 WIEN
AUSTRIA
اتریش

حساب بانکی:
AUSTRIA – WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 – 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیش بسوی جبهه متحد خلق